

دانش حکومست

علی اصغر کیانی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقديم به آخرين نشانه هدايت

ذخيره الهى:

منجى امتها و موعود مصلح

در اندیشه
حکومت برتر

کیانی، علی اصغر-۱۳۵۱

در اندیشه حکومت برتر / علی اصغر کیانی۔۔ قم: انتشارات آیین احمد، ۱۳۸۷

ص. ۱۳۶. قیمت ۱۵۰۰۰ ریال

ISBN: 978-600-5335-05-7

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۳۵-۰۵-۷

کتابنامه ص ۱۳۵ همچنین به صورت زیر نویس.

۱. محمد بن حسن، امام دوازدهم، ۲۵۵ هـ. ق. ۲. مهدویت الف. عنوان

۲۹۷/۴۶۲

BP۲۲۴/۴/۹۹ک

۱۳۸۷

در اندیشه حکومت برتر

مؤلف / علی اصغر کیانی

ناشر / انتشارات آیین احمد

چاپ / گنج معرفت

نوبت چاپ / اول، زمستان ۱۳۸۷

شمارگان / ۱۰۰۰ نسخه

قیمت / ۱۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۳۵-۰۵-۷ / ISBN: 978-600-5335-05-7

همه حقوق محفوظ است

آدرس ناشر: قم، بنیاد لقمان ۲ پلاک ۷. انتشارات آیین احمد

همراه / ۰۹۱۲۲۵۲۰۲۹۳

فهرست مطالب

پیش درآمد	۹
چیستی حکومت	۱۷
ضرورت برپایی حکومت	۲۰
اندیشه‌ی حکومت واحد جهانی در تاریخ	۲۱

بخش اول

نگاه به آینده در اندیشه‌ی متفکران

الف) متفکران و دانشمندان متقدم	۲۷
۱- افلاطون (جهان فیلسوف شاهی)	۲۹
۲- فارابی (مدینه فاضله فارابی در معموره ارض)	۳۰
۳- تامس مور (یتویای جهانی)	۳۲
۴- آگوستین قدیس (شهر خدا و شهر زمین)	۳۴
۵- سیسرون (قانون واحد جهانی)	۳۶
۶- توماس هابز (نظام جهانی مقتدر)	۳۷
۷- بولتاک (اجتماع واحد جهانی)	۳۹
ب) متفکران معاصر و اندیشه‌ی حکومت واحد جهانی	۴۰
۱- کانت: (جامعه مشترک الاخلاق جهانی)	۴۰
۲- فیخته (وحدت کامل جهانی)	۴۲
۳- راسل (سازمان جهانی برای اداره حکومت جهانی)	۴۳

۴۴	۴- توین بی (جامعه معنویت گرای جهانی)
۴۶	۵- لوکا (جهان وطنی)
۴۶	۶- دانته (مدیریت واحد جهانی)
۴۷	۷- انشتین (کنترل بین المللی جهانی)
۴۷	۸- مارکس (جامعه سوسیالیسم جهانی)
۴۹	۹- فوکویاما (حاکمیت جهانی لیبرال دموکراسی)
۵۳	(۱-۹) حرکت تاریخ
۵۵	(۲-۹) تئوری پایان تاریخ
۵۹	(۳-۹) حکومت پایانی
۶۲	نقد و بررسی آرا و اندیشه‌ها
۶۵	نقد نظریه‌ی فوکویاما

بخش دوم

جهان آینده در دیدگاه ادیان

۷۳	۱) جهان گرایی از دیدگاه ادیان غیر از اسلام
۷۳	(۱-۱) یهود و وراثت حکومت جهانی
۷۵	(۲-۱) مسیحیت و سلطنت جهانی مسیح
۷۷	(۱-۲-۱) اجتماع امت‌ها
۷۷	(۲-۲-۱) تحقق ملکوت الهی
۷۸	(۳-۲-۱) تحقق صلح الهی در جهان
۷۹	(۴-۲-۱) تحقق سلطنت الهی
۷۹	۲- جهان گرایی و ویژگی‌های آن در اندیشه‌ی اسلام
۷۹	(۱-۲) آیین اسلام و جهان شمولی
۸۴	(۱-۱-۲) جاودانگی
۹۰	(۲-۱-۲) برنامه کامل زندگی

۲-۲	حکومت مصلح جهانی (اندیشه‌ی مهدویت)	۹۶
۲-۲-۱	حکومت مصلح جهانی در نگاه آیات	۹۶
	مؤلفه‌های حکومت جهانی مصلح موعود	۱۰۴
۳-	شاخصه‌های حکومت برتر	۱۱۷
	الف) الهی بودن حکومت مهدوی	۱۱۷
	ب) ایجاد امکانات و زمینه‌های مناسب	۱۱۸
	ج) یاری الهی	۱۱۹
۳-	جامع نگری	۱۲۰
۴-	مدیریت برتر	۱۲۱
	۳-۱) بهره‌وری کامل از علم	۱۲۱
	۳-۲) سعی صدر و بینایی	۱۲۲
	۳-۳) اداره برتر جهان	۱۲۳
۴-	برخورداری از امکانات لازم	۱۲۴
۵-	کارآمدی و به روز بودن	۱۲۵
۶-	همراهی و همدلی مردم	۱۲۵
۷-	برخورداری از کارگزاران کارآمد	۱۲۶
۸-	دارای برنامه و تلاشگر	۱۲۷
	۸-۱) جهاد فرهنگی	۱۲۸
	۸-۲) جهاد اخلاقی	۱۳۰
	۸-۳) جهاد علمی	۱۳۲
	۸-۴) جهاد اعتقادی	۱۳۳
۹-	اهداف متعالی و در دسترس	۱۳۴
۱۰-	تسلط بر امور	۱۳۴
	کتاب نامه	۱۳۶

مقدمه

اندیشیدن درباره «نوع مطلوب حکومت» و «سعادت و فرارسایی بشر»، یکی از دل مشغولی‌ها و موضوع نظریه پردازی فلسفه دانسان و اندیش ورزان است. بزرگان دانش در یک سیر فکری فزاینده ایده «جامعه مشترک جهانی» را تحت «حکومت واحد» مطرح کرده و نگرش‌ها و واکاوی‌های خود را درباره آن ارائه داده‌اند. این رویکرد نظری، هم پوشانی فراوانی با آموزه «یک جهان، یک دین، یک امت» دارد که از سوی دین‌های آسمانی به خصوص شریعت پایدار اسلام - بیان شده است.

برجسته ترین انگاره دینی در این زمینه تشکیل «حکومت جهانی مصلح موعود» در پایان تاریخ و اصلاح کامل امور انسانی به دست او

دارد. این اندیشه بنیادین و پیشینه دار، برای کارآمدی و کارایی بیشتر «سیاست» و قرار گرفتن آن در مسیر درست و واقعی خود است که از آن می توان با عنوان «حکومت برتر» (سیاست فاضله) یاد کرد. خواستگاه و زیر بنای این آموزه متعالی و مانا را می توان در گزینه های مختلفی جست و جو کرد؛ از جمله:

۱. فطرت خدایی و گوهر واحد انسان ها، آنان را به سمت تشکیل یک جامعه جهانی سوق می دهد.
۲. شکست و ناکامی حکومت ها و نظام های سیاسی، بیان گر به پایان رسیدن «نظر ورزی» مکاتب بشری و ایده پردازی ناقص و ناکارآمد آنها («اتمام ظرفیت ها و توانایی های آنها») است.
۳. جوامع انسانی، در یک سیر تکاملی و فرارسایی قرار دارند که در نهایت، آنان را به تشکیل یک «حکومت جهانی الهی» و قرار گرفتن در مدار کمال نهایی می رساند.
۴. ظلم ستیزی و زدودن سایه استبداد و ستمگری و نجات مظلومان و طبقات پایین جامعه و بی بهره گان از قدرت و ثروت، آروزی همه نیک اندیشان و انسان دوستان است که پرتو حکومت مقدر و با نفوذ جهانی حاصل می شود.
۵. غایت حرکت قانون مند تاریخ و الگوی به دست آمده از سیر استکمالی آن، ما را به مقصد نهایی فرجام متعالی رهنمون می شود.

مهمترین خصیصه آن، رسیدن «جامعه واحد بشر» و تحقق اهداف آفرینش در پرتو آن است.

۶. ادیان و مصلحان بشری، بر وقوع تحولات گسترده در آخرالزمان و شکل گیری جامعه موعود قدسی و دوران پر خیر و برکت و شکوهمند، اتفاق دارند و بر اصلاح همه امور فرهنگی، اخلاقی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در آن عصر پافشاری می کنند.

۷. مهمتر از همه، بشارت‌ها و برنامه های روشن قرآن کریم درباره حاکمیت مستضعفان، وراثت و خلافت صالحان، نابودی گروه زراندوز و زورسالار و تباه گر (باطل)، برتری دین الهی در عالم و ... بیان گر مرحله نوینی در تاریخ بشری و رسیدن انسان به سعادت، تکامل و روشن بینی است.

منابع روایی، تصویر روشن و جامعی از این مرحله طلایی و نیک فرجامی بشر را ارائه کرده و تحقق آن را به دست مصلح موعود، حضرت مهدی عج - از فرزندان گرام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله - دانسته‌اند.

بر اساس آموزه های دینی، مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله، در مهمترین و حساس‌ترین برهه زمانی قیام کرده و انقلاب بزرگ جهانی را رهبری خواهد کرد. پس از پیروزی در این انقلاب مقدس، حکومت واحد جهانی تشکیل خواهد داد و با همراهی رجال الهی و انسان های صالح و برجسته، حیات بشری را در مسیر درست قرار خواهد داد.

سیاست فاضله، کارآمدی و اثر گذاری بالا، عدالت فراگیر، قانون جامع و برتر، مدیریت الهی و اقتدار معنوی و... از ویژگی‌های بارز این «حکومت جهانی» است.

دوست فاضل و پژوهش‌گر ارجمند جناب آقای کیانی در کتاب در *اندیشه حکومت برتر*، در صدد تبیین و بررسی مؤلفه‌های آغازین شکل‌گیری اندیشه حکومت واحد جهانی و تداوم آن در طول تاریخ برآمده و به خوبی دیدگاه مکاتب، دانشمندان و ادیان را در این زمینه مطرح کرده‌اند. آن‌گاه سیر کمال‌گرایانه اندیشه بشری را بر اساس جامعیت و فراگیری دین اسلام و در نهایت شکل‌گیری جامعه موعود الهی و تأسیس حکومت جهانی به دست حضرت مهدی علیه السلام به خوبی تبیین کرده‌اند.

مهم‌ترین ویژگی این اثر، گردآوری دیدگاه‌های دانشمندان درباره «بایستگی تشکیل حکومت واحد جهانی» و منحصر بودن رفع مشکلات و کاستی‌ها توسط این حکومت فراگیر است. همچنین بررسی ملاک‌ها و شاخصه‌های موفقیت و کامیابی حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام و زمینه‌ها و بسترهای قرآنی و روایی شکل‌گیری این «حکومت برتر» است.

امید است که این پژوهش، آغازی نیک برای تحقیقات بعدی درباره ویژگی‌ها و شاخصه یک حکومت برتر و کارآمد و زمینه‌ای برای بازکاوی دقیق‌تر و جامع‌تر «اندیشه مهدویت» باشد. برای مؤلف محترم آرزوی موفقیت و سربلندی دارم.

رحیم کارگر

پیش درآمد

بی گمان حکومت یک ضرورت اجتماعی است. جامعه بشری بدان سبب که از انسان‌ها با منافع، خواسته‌ها و انگیزه‌های گوناگون تشکیل شده است، به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر نیازمند حکومت است. بی‌درنگ، نبود حکومت، سبب از هم‌گسیختگی بنیان‌های جامعه، هرج و مرج و بی‌نظمی خواهد شد؛ چرا که حکومت، به عنوان اساسی‌ترین عنصر در تنظیم امور جامعه و تضمین اجرای قوانین، در پیشرفت مادی و معنوی جوامع، نقش تعیین‌کننده‌ای دارد.

امیر مؤمنان علی علیه السلام، در پاسخ به دیدگاه باطل خوارج - که حکومت را فقط در محدوده مسؤلیت‌های خداوند می‌دانستند - فرمود:

«... وَ إِنَّهُ لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ...»؛ «... و همانا مردم ناگزیرند از داشتن زمامدار؛ چه نیکوکار و چه بدکار...».

این فرمایش، بیش از آن که به حاکم و ویژگی‌های آن اشاره کند، ناظر بر ضرورت وجود حکومت است و نشان می‌دهد در جامعه بشری اهمیت وجود حکومت، به اندازه‌ای است که حتی وجود حکومت غاصبانه و ولایت سیاسی نامشروع یک فرد فاجر، بهتر از وضعیت هرج و مرج اجتماعی و نبود حکومت است؛ زیرا حکومت - هرچند نامشروع و ناموجه - بعضی از نیازمندی‌های اساسی جامعه را برطرف ساخته و پاره‌ای از نقص‌ها و کاستی‌های اجتماعی را برطرف می‌کند.

شریعت مقدس اسلام، به لحاظ نکات یاد شده و مانند آن، در آموزه‌های دینی، به مسأله حکومت و بایستگی آن، نگاه ویژه‌ای کرده است؛ به گونه‌ای که انبوهی از آیات و روایات اسلامی را می‌توان در این باره شناسایی کرد.

ضمن اینکه دین، حکومت را به عنوان یک ضرورت اجتماعی پذیرفته است؛ بیشترین سفارش را بر شکل‌گیری حاکمیت بر مدار

دین و انسان‌های صالح و حق‌گرا، متمرکز کرده است؛ زیرا چنین حاکمی جامعه را به نیکی‌ها و رستگاری هدایت می‌کند و همچنین در پی آن است که هدف آفرینش انسان (بندگی خداوند) را^۱، تحقق بخشد.

شیعه بر این باور است که حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام آرمان همه انسان‌های آزاداندیش و آزادی خواه است. از این رو پژوهش و نگارش در عرصه «مهدویت» - به ویژه مسأله بنیادین حکومت مهدوی - امری ضروری می‌نماید. البته شناخت حکومت‌ها و آینده بشر، پرجاذبه و اندیشه برانگیز است و از طرف دیگر تصویر آینده بشر و پیوند آن با حکومت‌ها، از گذشته در کانون توجه بسیاری از اندیشمندان، متفکران، سیاستمداران و دولتمردان بوده است.

آینده بشریت در اسلام، ارتباطی ژرف و بنیادین با حکومت مهدوی دارد. مهندسی و شکل برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های راهبردی، به صورت گسترده در آثار دینی تبیین و ارائه شده است؛ از این رو «اندیشه مهدویت»، طرح و پاسخی کامل و جامع به خواسته‌ها و نیازهای انسان در اصلاح وضعیت نابسامان زندگی

۱. ﴿و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون﴾؛ ذاریات (۱۵)، آیه ۵۶.

کنونی بشر است. تمام کاستی‌ها و نابسامانی‌های زندگی بشر با مراجعه به اندیشه مهدویت و رسیدن به حکومت عدل مهدوی، در ساختار نظام نوین مبتنی بر فطرت انسان و اصول درخواستی وی (عدالت، معنویت، امنیت و عقلانیت جمعی) استوار و سامان می‌یابد. نوشتار پیش رو تلاشی در ارائه تصویر و تفسیری از نظریه سیاسی اسلام، درباره حکومت جهانی مهدوی با نگرش تطبیقی میان دیگر اندیشمندان و مکاتب داعیه‌دار غرب در اداره نظام جهان است.

چیستی حکومت

پدیده حکومت یکی از نمودهای زندگی مدنی و اجتماعی بشر است. هر چه بر مشکلات بشر، پیچیدگی زندگی، گوناگونی نیازها، پیشرفت تمدن و توسعه روابط و ارتباطات افزوده می‌شود، اهمیت و بایستگی حکومت و نقش بنیادین آن در تنظیم روابط و مناسبات سیاسی - اجتماعی، بیشتر آشکار می‌گردد.

این رخداد مهم اجتماعی - که نتیجه گرایش فطری بشر به زندگی اجتماعی است - در مسیر تاریخ، فراز و فرودهای فراوانی داشته است. زمانی ابزاری برای اعمال قدرت در اختیار صاحبان زر و زور قرار گرفته و منافع سیاسی و اقتصادی آنان را تأمین کرده است و زمانی هم وسیله‌ای برای عدالت‌گستری در اجتماع بوده و در سایه آن ظلم ستمگران از گردن مظلومان برداشته شده است. گذشته

نابسامان این رخداد مهم اجتماع بشری در بستر تاریخ و کارکردهای دو سویه و یا چند سویه آن، بیانگر این نکته مهم است که بنیادی‌تر و با اهمیت‌تر از پدیده حکومت، «ساماندهی» آن است.

انگاره‌های سیاسی و مفاهیم مرتبط با سیاست، همواره از معانی و تعریف‌های ثابتی برخوردار نیستند. واژه‌ای از منظر گروهی مطلوب و از دیدگاه اندیشه‌ای دیگر، منفور و نامقدس است. همچنین باورداشت این مفاهیم، ثابت نبوده و با دگرگونی شرایط و تغییر وضعیت، مفهوم آن واژه نیز در آن باور تغییر می‌کند. واژه حکومت هم مانند دیگر واژگان سیاسی، نزد هر اندیشور و گروه سیاسی بر اساس همان فکر و اندیشه تعریف و تبیین شده است؛ به همین دلیل در آثار دانشوران حوزه علوم سیاسی تعریف یکسانی از مفهوم حکومت ارائه نشده است.

برخی از تعاریف این واژه عبارتند از:

مجموعه نهادهای مجری: «حکومت، مجموعه نهادهای مجری احکام و کار اصلی آن وضع قوانین و اجرای آنها است»^۱.

قدرت سیاسی: «حکومت، قدرتی سیاسی است که امر و نهی می‌کند و قانون‌گذاری، ساست‌گذاری و اجرا را بر عهده دارد و

۱. بشیریه، حسین، آموزش دانش سیاسی، ص ۳۰.

مسئولیت قضاوت و داوری و برقراری نظم و امنیت را بر دوش می‌کشد».

مجموعه‌ای از سازمان‌های اجتماعی: «حکومت یا نظام سیاسی عبارت است از مجموعه‌ای از سازمان‌های اجتماعی که برای تأمین روابط طبقات و حفظ انتظام جامعه به وجود می‌آید».^۱

کوشش سیاسی: «حکومت کوششی است که برای تحت قاعده مشخص درآوردن و تبیین نحوه پیوند عناصر یک نظام سیاسی خاص، صورت می‌گیرد».^۲

فرمانروایی سیاسی: «حکومت عبارت از است فرمانروایی یک شخص یا یک هیات حاکمه و یا هیات‌های مختلف بر جامعه‌ای، به منظور تنظیم و اصلاح امور اجتماعی و انتظام امر معاش آن جامعه».^۳

واسطه سیاسی: بنا بر نظر ژان ژاک روسو «حکومت واسطه‌ای است بین رعایا و هیات حاکمه که آنها را به همدیگر مربوط می‌سازد و اجرای قانون و حفظ آزادی سیاسی را به عهده می‌گیرد».^۴

۱. آقای، بهمن و دیگران، فرهنگ علوم سیاسی، ج ۱، ص ۲۴۵.

۲. همان.

۳. قلمدران، حیدر علی، حکومت اسلامی، ص ۶.

۴. خداوندان اندیشه سیاسی، جلد ۲، ص ۳۸۹.

باری، به نظر می‌رسد حکومت عبارت از «مجموعه نهادهای سیاست‌گذار، برنامه‌ریز و اجرایی است که بر اساس اهداف معینی به دنبال تحقق خواسته‌ها و نیازمندی‌های عمومی مردم است».

ضرورت برپایی حکومت

نیاز فطری بشر به اجتماع و نیاز اجتماع به قانون و برنامه‌ریزی و ساماندهی ساختار اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه از دلایل مهم تشکیل حکومت است. شناخت واقعی نیاز فطری بشر و فهم دقیق راهکار مناسب برای رفع این احتیاج، باعث پدید آمدن قبیله‌ها، قریه‌ها و اجتماعات گوناگون در سراسر جهان شده است. اجتماعات بشری به خاطر حفظ و بقای خویش و جلوگیری از هرج و مرج در ارتباطات و تعاملات، برای خود رهبر، دولت و حکومت تعیین کردند. محدودیت سرزمین‌های زیر نظر حکومت‌ها و سیری ناپذیری انسان، باعث شد دولت‌های حاکم بر هر جامعه‌ای، درصدد دست‌اندازی به سرزمین‌های دیگر باشند. نتیجه این رویکرد، نزاع، اختلاف، جنگ و خونریزی بود. از طرفی بعضی قدرت‌ها برای بقای خویش و تحکیم قدرت بیشتر با دیگر حکومت‌ها متحد شده و حکومت قوی‌تر و ماندگارتری را تشکیل دادند. مسائلی نظیر رفع نزاع‌ها و اختلافات، استفاده بهینه از امکانات زمین، تأمین صلح، آرامش و امنیت، بهره‌مندی یکسان مردم از نعمت‌های زمین و دوری از اضطراب و ترس

در سایه وحدتی همگانی، ناگزیر بشر را به سوی جامعه‌ای واحد زیر نظر حکومتی واحد می‌کشاند.

اندیشه حکومت واحد جهانی در تاریخ

یکی از بحث‌های مهم و اساسی که ذهن متفکران، اندیشمندان، سیاست‌مداران و دولتمردان را به خود جلب کرده، اندیشه تشکیل حکومت واحد جهانی است. این مسأله در طول تاریخ مورد توجه گروه‌ها، مکاتب و اندیشه‌های گوناگون بوده و تلاش‌های فراوانی نیز برای شکل‌گیری آن صورت گرفته است.

از دیرباز پژوهش‌گران و صاحبان اندیشه، با تکیه بر قوانین طبیعت، تعلیمات مذهبی و نظریه‌های اجتماعی، تشکیل جامعه‌ای وسیع‌تر برای رسیدن به وحدت نوع بشر را از امور ضروری دانسته‌اند. به عنوان مثال می‌توان به «مدینه فاضله افلاطون»^۱ و یا نظریه سیاسی «سیسرون»^۲ اشاره کرد که بر این باور بودند: نظام حاکم بر جهان باید یک نظام واحد باشد و یا نظریه «امانوئل کانت» که می‌گفت: برای رسیدن به صلح همگانی و دوری از جنگ، باید حکومت

۱. افلاطون، کتاب هفتم جمهوریت، به نقل از طاهری، ابوالقاسم، تاریخ اندیشه‌های سیاسی در غرب، ص ۴۸.

۲. طاهری، ابوالقاسم، تاریخ اندیشه‌های سیاسی در غرب، ص ۱۳۴.

واحد جهانی تشکیل داد. اینکه فرجام بشر به حکومت واحد جهانی خواهد رسید، مطلبی است که در ادیان الهی نیز بدان اشاره فراوان شده و در قرآن کریم، تورات و انجیل بدان بشارت داده شده است.

با این توصیف در رابطه با آینده بشر و سعادت‌مندشدن او در سایه یک حکومت واحد، به رهبری انسانی شایسته و والا که از ناحیه خدای متعال برانگیخته شده، موضوعی برگرفته از آموزه‌های وحیانی است. البته با نگاهی گذرا به تاریخ و رخدادهای آن، روشن می‌شود که اندیشه تشکیل حکومت جهانی همیشه با تکیه بر تفکر همگانی، مردمی و فراگیر نبوده است؛ بلکه در اکثر موارد، دولت‌ها و پادشاهان سعی داشته‌اند با جنگ، خونریزی و ظلم - و با به دست آوردن منافع و خاک بیشتر - فرمانروایی یگانه‌ای را به وجود آورند!! اما آنچه انسان‌ها و نوع بشر را برای پدید آوردن حکومت واحد جهانی با انگیزه کرده، صلح، امنیت، آرامش و عدالت، فراگیر و همگانی بوده است، نه جنگ و خونریزی و بی‌عدالتی؛ چرا که صلح‌طلبی و عدالت‌خواهی برای بشر، امری فطری و درونی است. براساس همین فطرت پاک و نهاد بی‌آلایش است که آدمیان براین باورند که سرانجام صلح و آرامش و عدالت با رهبری واحد سراسر گیتی را فراخواهد گرفت.

مطالعه پیشینه تاریخی بشر از «دولت - شهرها»^۱ در یونان باستان تا نظریه «دولت جهانی» در حال حاضر، روشن می‌سازد که حاکمان، متفکران و سیاستمداران بسیاری، از گذشته‌های دور برای تشکیل چنین حکومتی و پدید آوردن چنین فضایی در جامعه بشری، تلاش‌های بسیار، کرده‌اند. به عنوان مثال در ۳۵۰۰ سال قبل از میلاد حکومت‌های «مصر علیا» و «مصر سفلا» که هر کدام بر سرزمینی جداگانه حکومت می‌کردند، با اتحاد خود برای ایجاد یک قدرت قوی‌تر حکومت واحدی را به وجود آوردند.

«سومر» و «اکد» دو ملتی بودند که از حیث زبان، مذهب و نژاد از یکدیگر جدا و متمایز بودند؛ اما وحدتی را در بین‌النهرین پدید آوردند که نتیجه آن تشکیل حکومت و امپراتوری «بابل» شد. همچنین امپراتوری ایران باستان - که یکی از قوی‌ترین و وسیع‌ترین امپراتوری‌های حاکم در جهان بوده - از وحدت ساکنان اولیه ایران و آریایی‌ها به وجود آمده و بر بسیاری از مناطق دنیا حاکم بوده است.^۲ همچنین شکل‌گیری جامعه واحد جهانی به دست برخی از پیامبران و صالحان، مانند حضرت سلیمان و ذوالقرنین و بسط و گسترش

۱. ر.ک: ویل، دورانت، تاریخ تمدن، یونان باستان، ج ۲، ترجمه امیرحسین آریان‌پور، صص ۲۲۴-۲۲۵

۲. ر.ک: گریشمن، رومن، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمدمعین، صص ۷۱-۶۹

الف. متفکران و دانشمندان متقدم

آینده‌باوری بایسته‌ترین و مهم‌ترین رکن زندگی اجتماعی و فردی به‌شمار می‌آید. بشر همواره تشنه دانستن آینده خویش بوده است. از این رو نوع نگرش به آینده، برای همه مردم به ویژه اندیشوران و سیاست‌مداران اهمیت و جذابیت ویژه‌ای داشته و دارد. سرنوشت جهان در آینده چگونه خواهد شد؟ تاریخ بشر به کدام سمت و سو حرکت می‌کند؟ آیا بشر در آینده به امنیت، آسایش و راحتی خواهد رسید؟ آیا آینده انسان طعمه انواع سلاح‌های اتمی، هیدروژنی و شیمیایی خواهد شد؟ چه فرجامی در انتظار جهان است؟ و... توجه ویژه به آینده جهان در پاسخ به این گونه سؤالات و شاید پرسش‌های دیگر است.

جهان پی‌درپی و بدون توقف در حال حرکت است. تغییرات

سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ارتباطی در سراسر محیط زندگی بشر با آهنگی سریع در حال جریان است. اکثر جامعه‌های بشری، لجام گسیخته و فاقد هرگونه انسجام و اتحاد هستند. ابهامات و ناهنجاری‌های بسیاری، از قبیل آلودگی محیط زیست، فقر، نابرابری و ناامنی، فسادهای اخلاقی و اجتماعی، بی‌عدالتی و ظلم، جهان معاصر را تهدید می‌کنند. البته فطرت کمال جو و حقیقت طلب بشری و طبیعت آرام و بی‌آلایش انسانی - که با نظم هستی و امید به آینده همراه شده - همه نابسامانی‌های پدید آمده در جهان را محکوم به فنا و نابودی می‌داند و فرجامی نیکو در سایه حکومتی واحد و عادل را برای جهان آرزو می‌کند. بر این اساس است که تشکیل حکومت واحد جهانی - به شکلی که تمام مردم جهان با رهبری یگانه و قانونی واحد زندگی کنند - در کلام و نوشته‌های بیشتر اندیشوران و نظریه پردازان سیاسی آمده است و بسیاری تأکید کرده‌اند که تنها راه نجات جهان، و سعادت بشر، در گرو تشکیل چنین حکومتی است. برخی آن را در سایه فیلسوفان موفق دانسته و برخی دیگر سرمایه داری و اقتصاد را بهترین راه فرض کرده‌اند. گروهی دموکراسی لیبرال را یگانه راه سعادت بشر معرفی کرده‌اند. عده‌ای هم تمام نظریه‌ها و تئوری‌های بشری را بر اساس تجربه تاریخی محکوم به شکست دانسته و حکومت دینی بر محور

عدالت را تنها راه، برای تمام جهان سعادت دنیا و انسان دانسته‌اند. در ذیل به نظریات برخی از این دانشمندان و متفکران می‌پردازیم:

۱. افلاطون (جهان فیلسوف شاهی)

ریشه و پایه اندیشه جهان شمولی نظام‌های گذشته را باید در ایده‌ها و تفکرات اندیشمندان جست‌وجو کرد. دانشمندان و صاحب‌نظران بسیاری نظریه حکومت جهانی را از دیرباز مطرح و در راه رسیدن به آن تلاش فراوانی نموده‌اند که از جمله آنان افلاطون است.

وی از بزرگ‌ترین دانشمندان بوده و جهان علم به حق از دریای علوم او بهره‌ها برده است. او با اشاره به حکومت جهانی و تحقق آن توسط فیلسوفان می‌نویسد:

«جامعه‌ای که طرح کردیم (مدینه فاضله)، هرگز تحقق نخواهد یافت و گرفتاری‌های دولت‌ها و گرفتاری‌های انسانیت هرگز پایان نخواهد یافت، مگر اینکه فیلسوفان در این جهان شهریار شوند و یا کسانی که ما اینک ایشان را شهریار و فرمانروای خود می‌نامیم، به طور جدی و کافی در پی مطالعه فلسفه بروند...»^۱

۱. به نقل از: طاهری، ابوالقاسم، تاریخ اندیشه سیاسی در غرب، ص ۴۸.

از نظر «افلاطون» حکومت جهانی، همان «مدینه فاضله» است که سرانجام بشر باید آن را بپذیرد و برای رفع کاستی‌های خود و قرار گرفتن در مسیر کمال و ترقی، به آن پناه ببرد.

۲. فارابی (مدینه فاضله فارابی در معموره ارض)

در بیان اندیشه «فارابی» ابتدا به بیان شمه‌ای از زندگی ایشان خواهیم پرداخت؛ چرا که شرایط اجتماعی زمان فارابی در شکل‌گیری اندیشه سیاسی وی نقش بسیاری داشته است.

ابونصر محمد فارابی در شرایطی دیده به جهان گشود که زمینه فروپاشی خلافت عباسیان آغاز شده بود. در نواحی شرقی خلافت، یعنی ایران، پادشاهان دارای استقلال بودند و خلیفه هیچ نفوذی بر سرزمین‌های تحت سیطره آنان نداشت. «فارابی» روزگار ضعف خلافت را درک کرد و عصر پر آشوب ستیزه‌های سیاسی و مذهبی را در جهان اسلام به چشم خود دید.

فارابی در چنین محیط پر فراز و نشیب و نابسامان سیاسی - اجتماعی می‌زیست و اندیشه و آرمان سیاسی او، از اوضاع و احوال روزگار خویش تأثیر گرفته بود. البته فلسفه سیاسی او به اندیشه‌های «افلاطون» بسیار نزدیک است. غرض و هدف عمده فلسفه افلاطون چه در کتاب **جمهور** و چه در **مکالمات** - این است که اندیشه - عدالت را به صورت یک حقیقت و واقعیت جهانی، جامه عمل

بپوشاند. جامعه او، کشوری مملو از عدالت، زیبایی، همت، برادری و حسن نیت است. این حکومت آسمانی افلاطون، تنها جنبه نظری محض نداشته و افلاطون می‌خواسته است اگر بشود، آن را جامعه عمل بپوشاند. به عقیده او، جهان مادی نمونه یا عکس ناقصی از مثال اعلا و کامل الهی است. با وجود این همانندی و نزدیکی فارابی به حکمت یونان، وی به عنوان حکیمی مسلمان، معتقد به آموزه‌های دینی اسلام بود و اندیشه سیاسی او همانند دیگر نظرات وی جوهر اسلامی دارد. به نظر فارابی، میل به اجتماع برای انسان وسیله است، نه غایت. غایت انسان، رسیدن به کمال است؛ کمالی که سعادت حیات دنیوی و اخروی باشد و این امر جز از راه زندگی اجتماعی میسر نیست. پس غایت گرد آمدن مردم در اجتماعات و تعاون و همکاری آنها با یکدیگر، رسیدن به سعادت است. بنا بر این بهترین اجتماعات، اجتماعی است که مردم در کارهایی با یکدیگر همکاری داشته باشند که آن کارها وسیله رسیدن به سعادت باشد. چنین اجتماعی «مدینه فاضله» نامیده می‌شود. مردمی که در مدینه فاضله زندگی می‌کنند و برای رسیدن به سعادت می‌کوشند، امت فاضل هستند و شهر و دیاری که چنین امتی در آن به سر می‌برند، معموره فاضله و در سطح جهانی معموره ارض است. رئیس مدینه فاضله، آن کس نیست که همه به ریاست او اتفاق ورزند؛ بلکه آن است که

نفسش با عقل فعال اتصال یافته باشد. چنین ملکی بر همه علوم و معارف از طریق وحی - خواه در بیداری و خواه در خواب - آگاه است. به نظر می‌رسد، رئیس و پیشوای مدینه فاضله فارابی، همان امام شیعیان است و صفاتی که فارابی برای او بر می‌شمرد، همان است که شیعیان برای امام خودشان بر می‌شمرند.^۱

او که در متن تلاطم‌های اسلام پرورده شده است، به عنوان شارح بزرگ فلسفه یونان و بنیانگذار فلسفه سیاسی در عالم اسلام، در صدد یافتن جامعه و رهبر آرمانی است تا با یک نظام و حکومت واحد، به اوضاع متزلزل حاکم بر محیط، ثبات بخشیده و آرامش مورد نیاز یک جامعه پیشرفته را بر اساس تقوای سیاسی برقرار کند.^۲ او جامعه‌ای بزرگ را در نظر دارد که ملت‌هایی بسیار را در بر گرفته است.

۳. تامس مور (یتوپای جهانی)

«تامس مور» یکی دیگر از نظریه پردازان حکومت واحد جهانی در قالب آرمان‌شهر است. آرمان‌شهر «مور»، یک «جامعه سیاسی» و «یتوپیا» است. نوع نظام آن دموکراسی پارلمانی است و نمایندگان

۱. بزرگان فلسفه، صص ۲۶۹-۲۷۰.

۲. ر. ک: اصیل، حجت‌الله، آرمان‌شهر در اندیشه ایرانی، صص ۱۴۰-۱۴۴.

مجلس از ۵۴ شهر آن به طور غیر مستقیم انتخاب می‌شوند. در آرمان شهر «مور» قانون، حکومت و پادشاه واحد است. پادشاه می‌تواند تا آخر عمر حکومت کند؛ مگر اینکه مستبد شود که در این صورت می‌توان او را بر کنار کرد. در آرمان شهر، پول نیست و نیازی هم به آن نیست؛ زیرا تجارتي وجود ندارد. خانواده‌ها فرآورده‌های خود را به بازار می‌آورند و هر کس کالای ساخته شده مورد نیاز خود را بر می‌دارد.^۱ در مدینه فاضله «مور»، همه کارها به بهترین وجه و به سود همه مردم انجام می‌گیرد. «مور» اظهار می‌دارد در مدینه فاضله، از توطئه توانگران برای استعمار و چپاول بینوایان و از نفرت، بغض، قمار و غرور بیش از اندازه اثری نیست. مالکیت خصوصی با خیر جامعه، ناسازگار تلقی می‌شود. در نظر ساکنان این مدینه فاضله، تنها راه رسیدن به عدالت کامل و عام، اشتراک منافع است. در این مدینه، همه درهای آسمان به روی زمین گشوده است؛ زیرا همه مردم، آن قدر از نعمت دنیا برخوردار هستند که در فکر سرقت مال همسایه نیفتند. در این مملکت، فقط یک دین وجود دارد و آن دین مهربانی و محبت است. در نظام سیاسی مدینه فاضله، هدف عمده قانون گذاران و توده مردم، همکاری دوستانه بر اساس مساوات، فارغ از کینه، حسادت و طمع است.

۱. عارف حسینی، سید محمد، نیک شهر قدسی، ص ۷۳.

۴. آگوستین قدیس (شهر خدا و شهر زمین)

نخستین فیلسوف و اندیشمندی که اندیشه صلح جهانی را در قالب یک شهر خدایی مطرح کرد، «سن آگوستین» است. وی به یک نظام جهانی - که همه جهانیان تابع و مطیع آن هستند - قائل است. در نظر او همه مطیع آفریدگار یکتا هستند. صلحی که از نظر «افلاطون» فقط در داخل مرزهای «دولت شهر» میسر بود، از نظر «آگوستین» چنان گسترده است که همه جهان را فرا می‌گیرد. از آنجا که خداوند انسان را مأمور کرده است که همسایه‌اش را مثل خودش دوست بدارد، پس به ناچار این محبت را باید نسبت به زنان و کودکان و دیگر اعضای خانواده و نیز نسبت به تمام آفریدگان دیگر خدا داشته باشد. به این ترتیب چنین بندهای در صلح، آرامش و سازگاری با تمام جهانیان به سر خواهد برد.^۱

در نظر «آگوستین» محور اتحاد و شکل‌گیری حکومت واحد جهانی، سازگاری و رفتار مناسب براساس دوستی بین افراد جامعه است. از نظر وی هرگاه مردم توانستند طبق دستور خداوند، همسایه را چون خود و فرزند دیگران را فرزند خود دوست داشته باشد؛ می‌توان به یک جامعه سعادت‌مند، زیر نظر حکومتی مقتدر رسید.

۱. ر. ک: طاهری، ابوالقاسم، تاریخ اندیشه سیاسی در غرب، ص ۱۳۴.

وی در کتاب *شهر خدا* به دو نوع حکومت اشاره می‌کند (شهر خدا یا آسمان و شهر زمین) که در آن اندیشه و تفکر حکومت واحد جهانی به چشم می‌خورد. آگوستین ابتدا، حکومت دنیوی یا شهر زمینی را بیان می‌کند که در آن جهان‌داران و صاحبان قدرت، فرمان می‌رانند. به نظر وی اطاعت از ایشان تا وقتی که عدالت، امنیت و نظم را برقرار می‌کنند، وظیفه دینی است؛ ولی برای اعضای شهر خدا، دین وسیله‌ای است که باید از آن برای رسیدن به مقصد نهایی (صلح پایدار آسمانی) استفاده کرد.

آگوستین از منظری دیگر و در قالب مفاهیم وانگاره‌های روحی و عاطفی، حکومت واحد در جهان را به روشی دیگر بیان می‌کند. باور «آگوستین» بر این است که پیوند عشق، محبت و سازگاری براساس روابط عاطفی، می‌تواند باعث رخداد مهم حکومت واحد جهانی باشد. او معتقد است بندگان خدا می‌توانند به طور مثبت و فعال، با هم متحد شده و یکدیگر را - که آفریده‌های خدای مشترک هستند - دوست بدانند. البته این صلح تنها به معنای ترک جنگ و زندگی براساس همزیستی مسالمت آمیز نیست؛ بلکه اتحادی فعال و ارتباطی عاطفی است که بر اندیشه‌ای سرشار از عشق، محبت و بهزیستی عاطفی استوار است.^۱

۱. رک: عمید زنجانی، عباسعلی، *مبانی اندیشه‌های اسلام*، صص ۸۴-۳۴.

۵. سیسرون (قانون واحد جهانی)

یکی از بزرگ‌ترین سخنوران روم قدیم «سیسرون» است که سال ۱۰۶ ق.م به دنیا آمده است. «سیسرون» دارای فلسفه‌ای التقاطی بوده و از اندیشمندان بزرگی چون «افلاطون» و «ارسطو» الهام گرفته است. بینش جهانی و وسعت نظر ایشان در مسائل، نشان از ارتباط مستقیم اندیشه‌های او با تفکرات این دو دانشمند بزرگ دارد. در باور «سیسرون» فقط یک قانون واحد وجود دارد که بر سراسر هستی حکم فرما است. تمام آنچه در طبیعت وجود دارد، به ناچار باید با آن قانون تطبیق و از آن اطاعت کند.

اصل اساسی اندیشه سیسرون همان عقیده رواقیون به قانون و حقوق طبیعی است. از نظر «سیسرون» افراد در قانون، به شکل اعضای جامعه‌ای مشترک المنافع می‌باشند. او در این خصوص می‌نویسد: «افراد بشر به هر نحو که از حیث نژاد یا موقعیت جغرافیایی دولت‌های متبوعشان از هم جدا و مشخص باشند، باز به حکم طبیعت اعضای یک دولت بزرگ و مشترک جهانی هستند که علاوه بر خدایان، تمام انسان‌ها را نیز در برمی‌گیرد». 'سیسرون اعلام می‌داشت که: بالاترین هدف انسان آن است که - چه عامل باشد چه معمول - زندگی توأم با فضیلتی داشته باشد. و برای اجرای عدالت و

۱. به نقل از: طاهری، ابوالقاسم، تاریخ اندیشه سیاسی در غرب، ص ۱۱۸.

جلوگیری از بی‌عدالتی بکوشد. سیسرون مُصر است که بی‌عدالتی عاقبت ندارد.^۱ وی وفاداری آگاهانه به این «شهر جهانی»؛ یعنی جامعه بشری را بلندپایه‌ترین آیین اخلاقی می‌داند و در عین حال تاکید می‌کند که وفاداری به میهن و زادگاه نیز احساسی پراج است. او میان این دو گونه وفاداری منافاتی نمی‌بیند؛ زیرا به نظر او تعهد فرد در برابر میهن خود، از تعهد او در برابر جامعه بشری ریشه می‌گیرد. در نظر سیسرون «شهر جهانی» بلندترین آرزوی بشری و بارزترین باور و اعتقاد انسان است. لذا وی سعادت و آینده روشن بشر را در گرو وفاداری و باور این «شهر جهانی» می‌داند.

۶. توماس هابز (نظام جهانی مقتدر)

«توماس هابز» فیلسوف سیاسی، معتقد به حکومت واحد جهانی بود. وی تاثیر زیادی در به وجود آمدن حکومت‌های نوین غربی بر اساس «قرار داد اجتماعی» داشته است. به عنوان مثال ردپای تفکرات «هابز» را می‌توان در اندیشه و باور لیبرالیسم و سازمان ملل متحد به راحتی مشاهده نمود. نقطه شروع تحقیق «هابز» انسان و انگیزه‌اش در کار و عمل است. هر چند هابز انسان را موجودی می‌داند که گرایش به قدرت، جنگ و خونریزی دارد اما به صلح و

۱. بزرگان فلسفه، ص ۲۵۰.

آرامش نیز در وجود انسان معتقد است. او در این باره می‌نویسد:

میل به آسایش و لذات حسی، انسان را وا می‌دارد که از یک قدرت مشترک اطاعت کند؛ زیرا چنین میل‌هایی، انسان را از آن امنیتی که می‌تواند از کار و زحمت خود امید داشته باشد، محروم می‌کند. ترس از مرگ و گزند هم او را به اطاعت از قدرت مشترک رهنمون می‌شود؛ زیرا چنین میلی شامل میل به آسودگی نیز هست و به ناچار انسان را از حفاظت قدرتی غیر از قدرت خویش، برخوردار می‌کند.^۱

«هابز» معتقد است تنها راه برای برقراری صلح در جهان، ایجاد یک حکومت قوی و حاکم بر همه جوامع و دولت‌ها است. به نظر او همه دولت‌ها و ملت‌ها، باید تابع یک حکومت قوی باشند که همه را ساکت کرده به فرمان خویش درآورد. و در صورت نبود چنین حکومتی، وضع نامناسب و نا امید کننده به جود می‌آید؛ زیرا بدون قدرت برتر در جهان قانون، حق، عدالت، آرامش و امنیت شکل نمی‌گیرد؛ هر چند در مقطعی کوتاه به وسیله عهدنامه‌ها، توافق-نامه‌ها، اتحادیه‌ها و سازمان‌های گوناگون، مرهمی کوتاه مدت بر دردهای بشر گذاشته می‌شود. بر اساس نظر «هابز» درمان نهایی و مناسب برای همه دردهای بشری در طول تاریخ، گرد هم آمدن تمام

۱. جونز، وت، اندیشه سیاسی، ترجمه علی رامین، ص ۱۲۲-۱۲۱

بشریت در زیر چتر یک حکومت واحد مقتدر است.

او در نوشته‌ها و گفته‌های خود می‌آورد:

برای اولین بار در تاریخ این فرصت پیش آمده است که یک حکومت در سطح جهان رهبری داشته و یک نظام جهانی مستقر شود و این به معنای صلح در سطح جهان و ریشه‌کن شدن تجاوز و جنگ‌هاست.^۱

۷. بولتاک (اجتماع واحد جهانی)

این نویسنده و مورخ شهیر یونانی - که در بین سال‌های ۴۶ تا ۱۲۰ میلادی زندگی می‌کرده - نظر خود را در رابطه با حکومت واحد جهانی این چنین مطرح کرده است:

بر انسان واجب نیست که در جمهوری‌های متعدد زندگی خود را به سر برد؛ بلکه وظیفه مردم است که مجتمع واحدی را تشکیل داده و با پیروی از قانون واحد به سعادت برسند.^۲

۱. به نقل از: لاریجانی، محمدجواد، *کاوشهای نظری در سیاست خارجی*، ص ۱۱۵-۱۰۸.

۲. *مصلح غیبی و حکومت واحد جهانی*، ص ۱۶.

ب. متفکران متأخر و اندیشه حکومت واحد جهانی

۱. کانت (جامعه مشترک الاخلاق جهانی)

«امانوئل کانت»^۱ از جمله اندیشورانی است که تفکر حکومت واحد در جهان را مطرح کرده است. «طرح صلح پایدار» رساله‌ای از وی است که ارتباط مستقیم با عقاید سیاسی او دارد. بیشتر انگاره‌های گفته شده در این رساله، در رابطه با صلح جهانی و دوری از جنگ، خونریزی و ستیزه‌جویی است. «کانت» بر این باور است که اروپا باید با یک «طرح و صلح عمومی» از جنگ و خونریزی فاصله بگیرد. اروپای متحد در سایه صلح و آرامش، طرحی است که امانوئل کانت برای ساختن جامعه‌ای واحد و سالم به دور از هرگونه شرارت، جنگ و تجاوز ارائه نموده است.^۲ به نظر کانت تحول و دگرگونی در زندگی بشر، در دو مرحله صورت می‌گیرد: مرحله نخست: پایان جنگ همه علیه همه است که با تأسیس و استقرار دولت در سطحی گسترده و وسیع در اروپا، تحقق کامل یافت و به انجام خود رسید. مرحله دوم: می‌بایست بنا بر استقرار نظامی بین‌المللی در شکل کنفدراسیونی متشکل از ملل مختلف باشد که جنگ بین کشورها را غیر قانونی و

۱. از مشاهیر فلسفه غرب و متولد شهر کوچکی در سرزمین «پروس» که تقریباً عمر خویش را در همان شهر به گوشه‌گیری و انزوا گذراند.

۲. بیگدلی، علی، تاریخ اندیشه سیاسی در غرب، از طالس تا مارکس، ج ۱، ص ۲۱۵.

نامشروع دانسته و مانع آن گردد.^۱ او در هفتاد و یک سالگی کتابی به نام صلح جاوادان نوشت و در آن از یک اتحاد جهانی متشکل از ممالک آزاد طرفداری کرد و اعلام داشت:

فرمانروایان ما پول ندارند که مصرف تعلیم و تربیت عمومی سازند...؛ زیرا همه منابع و خزائن خود را در راه تهیه تجهیزات جنگی تلف می‌کنند. وی نه تنها خواهان تقلیل نیروی نظامی؛ بلکه خواستار انحلال آن بود. به نظر او وظیفه دولت، ایجاد همبستگی میان تمام افراد بشر، با صلح جهانی است. کانت اعلام می‌دارد که این هدف و مقصدی است که بشریت به راهنمایی خداوند، برای رسیدن بدان تلاش می‌کند.^۲

«کانت» در این باره می‌نویسد:

ایجاد نظم جهانی، منوط به وضع یک قانون جهانی است. این همان است که مذاهب آن را خواسته‌اند و این همان است که پیامبران از دورانی بس کهن، برای تحقق بخشیدن به آن پیا خاستند و خروش‌ها به پا آوردند. بدین گونه

۱. کارگر، رحیم، *آینده جهان*، ص ۴۱ و ۴۲.

۲. *بزرگان فلسفه*، ص ۳۰۷.

خواستند روشنگر تاریکی‌ها باشند.^۱

در نظر کانت اوضاع کنونی جهان دوام نخواهد یافت و یکی از بهترین راه‌های نجات بشر از وضعیت کنونی، تشکیل حکومت واحد در جهان است.

۲. فیخته (وحدت کامل جهانی)

«فیخته» یکی دیگر از دانشمندانی است که نظام واحد جهانی را در اندیشه‌های خود مطرح کرده است. از دیدگاه فیخته، «ژرمن» برترین نژاد بوده و آلمان‌ها تنها ملتی هستند که می‌توانند صلح و آرامش را در جهان برپا نمایند.

باور «فیخته» براین است که اگر روزی عقاید سیاسی او در اروپا پیاده می‌شد، اروپا زیر نظر حکومت آلمان‌ها به وحدت کامل می‌رسید. هرچند افکار نژادپرستانه در دیدگاه‌های «فیخته» موج می‌زند؛ اما باور حکومت واحد، از اساسی‌ترین انگاره‌ها در نظریه وی می‌باشد. در اندیشه «فیخته» جهان وقتی به سعادت و تکامل خواهد رسید که زیر نفوذ و نظر یک قانون و حکومت قرار بگیرد. او برای حکومت واحد مورد نظر خود، حکومت نژادپرست آلمان را تعیین کرده.

۱. همان، صص ۲۲۰-۲۱۰.

۳. راسل (سازمان جهانی برای اداره حکومت جهانی)

«آیا بشر آینده‌ای هم دارد» کتابی است که فیلسوف مشهور انگلیسی، «برتراند راسل» نوشته است. باور وی در این کتاب بر این است که وضع مردم دنیا، در دوران بمب اتمی و هیدروژنی بسیار خطرناک و اسفبار است. وی تنها راه رسیدن به یک زندگی بدون دغدغه و جنگ را تشکیل یک «حکومت واحد جهانی» می‌داند.

«راسل» ضمن تاکید بر تشکیل حکومت واحد جهانی، ساختار این حکومت را نیز پیشنهاد می‌کند تا بشر در سایه آن، بتواند در صلح و آرامش به زندگی خود ادامه دهد. وی در این خصوص می‌نویسد:

ایجاد سازمانی جهانی که بتواند از وقوع جنگ جلوگیری کند، امکان‌پذیر است... اقوا دلیلی که می‌تواند به نفع حکومت جهانی ذکر شود، آن است که اگر این حکومت - آن‌گونه که شاید - تشکیل شود، می‌تواند از وقوع جنگ جلوگیری به عمل آورد.^۱

در نظر «راسل» رقابت بین حکومت‌ها و دولت‌های مختلف، باعث جنگ و نزاع بین آنها شده و مانع پدید آمدن یک دنیای علمی زیر نظر حکومتی واحد می‌گردد. او در این باره می‌نویسد:

۱. راسل، برتراند، *آیا بشر آینده‌ای هم دارد*، ص ۱۵۴-۱۴۴.

مادامی که یک حکومت جهانی در دنیا وجود ندارد، رقابت برای کسب قدرت‌ها بین کشورها وجود دارد. دنیای علمی بدون یک حکومت واحد جهانی، ثبات و دوامی نخواهد داشت.^۱

۴. توین بی (جامعه معنویت‌گرای جهانی)

یکی دیگر از متفکرین صاحب‌نظر در مسأله حکومت جهانی «آرنولد توین‌بی» است. «توین‌بی» نویسنده اثر دوازده جلدی به نام *مطالعه تاریخ* است. او در این مجموعه ۲۱ تمدن گذشته و حال را بررسی نموده است. شکل طرح موضوع برای کاوش‌های تاریخی و نیز نحوه تلاش وی برای فهم وقایع جهان، از ویژگی‌های خاص مطالعات تاریخی این دانشمند است. در دنیایی که برای آیندهٔ جهان در اندیشه‌های «توین‌بی» طرح شده است، حکومتی جهانی با تکیه بر همکاری جهانی پدید خواهد آمد. در باور «توین‌بی» جامعه جهانی در آینده با سنگ خاراى ایمان برپا می‌گردد، نه کلوخ‌های اقتصاد.

خلاصه دیدگاه وی را می‌توان چنین بیان کرد: تمدن‌هایی که موفق می‌شوند حکومت‌های وسیع تشکیل دهند، حکومت‌هایی که از ملیت‌های مختلف تشکیل یافته‌اند، در سرایشب اضمحلال یا

۱. ر. ک: همان.

«جدایی طلبی» قرار می‌گیرند؛ یعنی، ملت‌ها به تناسب دوری‌شان از قدرت مرکزی، برای مستقل شدن از آن تلاش می‌کنند. در چنین اوضاعی دولت مرکزی برای حفظ سیطره خود و یا به نحوی کنار آمدن با پدیده جدایی طلبی، مسأله «جهانی زیستن» را مطرح می‌کند. داعیه «جهانی بودن» از یک سو به ادامه تسلط حکومت مرکزی مشروعیت می‌بخشد و از سوی دیگر امکان می‌دهد که حکومت‌ها با قبول ظاهری ادعای جهانی بودن، در عمل رفتاری مستقل داشته باشند. وی با ارائه نمونه‌های فراوان از امپراتوری روم، چین و خلافت عباسی، سعی دارد این تئوری عمومی را اثبات کند. به عنوان مثال به نظر «توین‌بی» امپراتوری‌هایی که مشروعیت خود را از دین گرفته بودند، با ادعای جهانی بودن آن دین، مسأله جهانی بودن حکومت خود را مطرح می‌کرده‌اند. اگر چه تئوری «توین‌بی» در رابطه با توضیح پدیده حکومت‌های جهانی ناتوان است؛ اما آنچه را که می‌توان سرنخی مهم برای کاوش در این باره دانست، استفاده از یک مسلک جهانی برای توجیه جهانی بودن حکومت‌ها است.^۱

این متفکر شهیر انگلیسی، طی نطقی در کنفرانس صلح «نیویورک» با اشاره به ضرورت تشکیل حکومت واحد جهانی، می‌گوید:

۱. ر. ک: لاریجانی، محمدجواد، کاوش‌های نظری در سیاست خارجی، ص ۲۳۳-۲۳۴.

تنها راه صلح و نجات بشر، تشکیل یک حکومت [واحد]
جهانی و جلوگیری از گسترش سلاح‌های اتمی است.^۱

۵. لوکا (جهان وطنی)

«ویلیام لوکا اریسون» فیلسوف مشهور آمریکایی می‌نویسد:

ما به مملکت واحد و قانون واحد و قاضی واحد و حاکم
واحد برای بشر، اعتراف می‌کنیم. تمام شهرهای دنیا، شهرها
و هر یک از جامعه بشر، ابنای شهر ما و ابنای وطن ما
هستند. ما زمین شهرهای خود را دوست می‌داریم.^۲

از نظر لوکا اریسون تمام ساختارهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی
و نظامی جامعه بشری باید زیر نفوذ و ولایت یک حکومت واحد
جهانی قرار گیرد.

۶. دانته (مدیریت واحد جهانی)

«دانته» ادیب شهیر و توانمند ایتالیایی می‌نویسد:

واجب است تمام زمین و جماعتی که در آن زیست دارند،
به فرمان یک امیر باشند که آنچه را مورد حاجت است مالک

۱. همان، ص ۲۳۴.

۲. به نقل از: امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۳۳۲.

باشد، تا جنگ واقع نشود و صلح و آشتی برقرار شود.^۱

از نظر این ادیب ایتالیایی، صلح، آرامش و امنیت فقط زمانی در جامعه جهانی پدید می‌آید که جهان با حاکمیت یک حکومت واحد اداره شود.

۷. انشتین (کنترل بین‌المللی جهانی)

«انشتین» دانشمند و فیزیکدان بزرگ بر این باور است که ملت‌های مختلف جهان - از هر قوم و نژادی که باشند - زیر نظر یک حکومت و پرچم واحد، در صلح، امنیت، آرامش، برادری و برابری زندگی می‌کنند. او در این رابطه می‌گوید:

حکومت‌های متعدد خواه ناخواه به نابودی بشر منجر خواهند شد، و مردم جهان یکی از دو راه را باید انتخاب کنند؛ یا باید حکومت جهانی با کنترل بین‌المللی انرژی تشکیل شود و یا حکومت‌های ملی جداگانه فعلی، همچنان باقی بماند و منجر به انهدام بشری گردد.^۲

۸. مارکس (جامعه سوسیالیسم جهانی)

مهم‌ترین انگاره برای مارکس، رسیدن به آرمان شهر کمونیستی و

۱. همان.

۲. نسبت انشتین، ص ۳۵.

از بین رفتن تضادها، استثمارها و کمبودها است. مارکس آینده را از آن سازمان جامع کمونیستی می‌داند که بر زندگی انسان‌ها حاکم می‌شود و در آن تمامی هستی‌های طبیعی، در حالت برابری و همکاری متقابل به کمال می‌رسند. این کمال، تقسیم کار را از میان می‌برد و بعد فراوانی بر جامعه حاکم می‌گردد. از خود بیگانگی از میان می‌رود؛ چون افراد، آزاد و به صورتی خلاق در فعالیت‌های جامعه شرکت می‌کنند. انسان با خود و هم‌نوعانش بیگانه می‌شود و در آن حالت به عنوان موجودی کامل و نوعی، خود را در فرآورده کارش باز می‌یابد.^۱ بر اساس نظریه مارکس سرانجام تعارض بین نیروهای تولید سرمایه و روابط تولید - که باور به وجود آنها در جامعه‌ی غیر سوسیالیستی دارد - با حاکمیت کمونیسم و جامعه بدون طبقات، به طور کلی از بین خواهد رفت و نتیجه آن جهانی غیر سیاسی و خالی از کشمکش خواهد بود؛ زیرا فراوانی مادی و نبود طبقات، وجود چنان جهانی را امکان پذیر می‌کند. بر اساس این نظریه، خوشبختی جهان در سایه حکومت واحد کمونیستی با جامعه‌ای بدون طبقات امکان پذیر است.

«تروتسکی» و «استالین» نیز از جمله کسانی بودند که در قرون معاصر دیدگاه فراملیتی و جهان شمولی داشتند. آنها پس از تشکیل

۱. کارگر، رحیم، *آینده‌ی جهان*، ص ۴۵.

حکومت جماهیر شوروی، نظراتی را بیان کرده‌اند. «استالین» بر این عقیده بود که ابتدا باید با شوروی، شروع کرد و پس از تقویت و توانمندی شوروی آن را به عنوان الگوی برتر به دنیا معرفی کرد. به باور او پس از ارائه شوروی به عنوان برترین الگوی حکومتی، می‌توان پایه‌گذار و ارائه‌کننده حکومت واحد در جهان بود. «تروتسکی» برخلاف «استالین» بر این باور بود که جهان آمادگی پذیرش و دریافت پیام‌های «انترناسیونالیستی» و «کمونیستی» را دارد. بایستی به خلق جهان کمک کرد تا به پا خیزند و کمونیست شوند. هر چند این دو با هم اختلاف نظر داشتند؛ اما در اینکه باید حکومت واحدی را در جهان تشکیل دهند، هم‌نظر بودند؛ به طوری که «تروتسکی» باور داشت جهان به زودی به شکل یک کشور واحد کمونیستی در خواهد آمد. آمادگی جهان از نظر «تروتسکی» به حدی بود که وقتی «لنین» پست کمیساریای عالی امور خارجه را به وی پیشنهاد کرد، او با ناباوری تمام اعلام داشت «مگر جهان کمونیسم آینده، خارجه‌ای خواهد داشت که وزارت امور خارجه با کمیساریای عالی امور خارجه داشته باشد!»

۹. فوکویاما (حاکمیت جهانی لیبرال دموکراسی)

یکی از نظریه‌هایی که در این اواخر طرح می‌شود، نظریه حکومت جهانی لیبرالیسم است. برخی از متفکران غربی سعی کرده‌اند این

فرضیه را اثبات کنند که جهانی شدن دموکراسی لیبرال امری حتمی است؛ لذا تشکیل یک حکومت واحد جهانی، بهترین دستاورد بشر خواهد بود. حکومت واحد در جهان، کمالی است که در فضای آرام و بدون اضطراب آن، وجود واقعی و طبیعت فطری بشر، به شکل حقیقی و جدی پدیدار می‌شود. از سوی دیگر این هدف با توجه به امکاناتی که در اختیار عناصر اصلی در جهان لیبرالیسم قرار دارد، کاملاً عملی است. از این رو رهبران دنیا، مردم و ملت پیرو آنان باید بدانند که هرگونه مقاومت در مقابل این جریان عظیم تاریخی، مبارزه‌ای است که با شکستی سخت پایان خواهد یافت. از مهم‌ترین نظریات در این خصوص نظریه «پایان تاریخ» است.

«فرانسیس فوکویاما» متفکر ژاپنی الاصل آمریکایی، در اواخر قرن بیستم سروصدای زیادی را با نوشتن مقاله «پایان تاریخ» به وجود آورد. شکل پایانی حکومت جامعه‌های بشری در باور «فوکویاما» حکومت «دموکراسی لیبرال» است. از نظرگاه «فوکویاما» دموکراسی لیبرال تنها آرمان سیاسی است که منطقه‌های قومی و فرهنگ‌های ملی گوناگون در سراسر دنیا را به هم پیوند می‌دهد.^۱

دور جدید سرکردگی ایالات متحده، توسط فوکویاما و نظریات او

۱. رک: غنی‌نژاد، موسی، *پایان تاریخ و آخرین انسان*، (ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی)، شماره ۶۳-۶۴ صص ۲۸-۲۲.

پی‌ریزی شد؛ زیرا هر چند فرصت جدیدی برای اعتماد به نفس آمریکاییان با از بین رفتن اتحاد جماهیر شوروی به وجود آمده بود؛ اما در ایالات متحده بدبینی خاصی بر مباحث سیاسی حاکم بود که نظریه‌ی «فوکویاما»، این بدبینی و چالش را تغییر داد. تز فوکویاما این بود که «پایان تاریخ» پیش روی ماست. آن چه شاهد هستیم تنها پایان جنگ سرد یا گذر از دوره ویژه‌ای از تاریخ پس از جنگ نیست؛ بلکه پایان تاریخ نیز هست. یعنی نقطه پایان تطور ایدئولوژیک بشریت و جهانی شدن دموکراسی لیبرال غربی به مثابه شکل نهایی دولت بشری.^۱ بر اساس این نظریه در آینده جهان و بشریت با پذیرفتن حکومت لیبرال دموکراسی شکل واحدی پیدا خواهد کرد. وی معتقد است تکامل نظام دموکراسی لیبرال موجب برتری تاریخی آن و پیروزی قدرت نظامی و اقتصادی آن است و این نظام و حکومت تکامل یافته‌ای است که جبر تاریخی، آن را الگوی مطلوب همه انسان‌ها کرده است.

«فوکویاما» باور دارد که شکست سوسیالیسم و پایان جنگ سرد نقطه تحول ایدئولوژیکی بشری و جهانی شدن دموکراسی غربی، به عنوان شکل نهایی حکومت است. میل دستیابی به جامعه مصرفی در

۱. ندروین، فوکویاما و دموکراسی لیبرال پایان تاریخ، (ترجمه پرویز صداقت، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی)، شماره ۸۰-۷۹، ص.

درازمدت، منجر به لیبرالیسم اقتصادی و سیاسی گردیده و تصور می‌شود سیستم غربی، به طور پایان ناپذیری قابل گسترش است. بنا به نظر «فوکویاما»، لیبرال دموکراسی به لحاظ ایدئولوژی و ماندگاری قواعد آن در تاریخ و قدرت مبارزه با رقبا، تنها راه رستگاری بشر و نجات جهان است.

وی همانند هگل و مارکس معتقد است:

تحوّل جوامع انسانی بی‌پایان نیست؛ بلکه این تحول بالاخره پایان می‌پذیرد. پایان تاریخ زمانی است که انسان به شکلی از جامعه انسانی دست یابد که در آن عمیق‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای بشری برآورده شود. فوکویاما «دموکراسی لیبرال» را شکل نهایی جوامع بشری و پایان تاریخ تلقی می‌کند؛ اما بر این نکته انگشت می‌گذارد که این سخن، به آن معنا نیست که سیر طبیعی زاد و ولد و مرگ و میر متوقف خواهد شد، یا دیگر وقایع مهمی اتفاق نخواهد افتاد؛ بلکه منظور این است که احتمالاً دیگر تحول مهمی در نهادهای اساسی و اصول جاری، پدیدار نخواهد شد.^۱

می‌توان آرا و اندیشه‌های این نظریه پرداز غربی را طی مباحث

۱. غنی نژاد، موسی، *پایان تاریخ و آخرین انسان*، (اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۶۴ و ۶۳)، ص ۲۲ و ۲۳.

ذیل بیان کرد:

۹-۱. حرکت تاریخ

از نظر فوکویاما، از همان ابتدای تدوین تاریخ‌های عمومی، گسترش آزادی به عنوان موتور اصلی تاریخ به حساب آمده است. تاریخ یک سری اتفاقات کور و بی‌اساس و پایه نیست؛ بلکه یک مجموعه معنا دار است که اندیشه‌های انسانی، در موارد گوناگون - از جمله نظم سیاسی و اجتماعی - در آن شکل گرفته، توسعه یافته و شکوفا می‌شود. اکنون به جایی رسیده ایم که نمی‌توانیم دنیای ذاتاً متفاوت و گوناگون از جهان کنونی را تصور کنیم؛ به طوری که هیچ شاخصی امکان بهبود بنیادی نظم جاری را نشان نمی‌دهد؛ لذا باید این امکان را در نظر بگیریم که تاریخ ممکن است به پایان رسیده باشد. او می‌گوید:

من تاریخ را به معنای هگلی - مارکسی اش؛ یعنی، به معنای رشد تکاملی نهادهای سیاسی و اقتصادی بشری به کار گرفته‌ام.

در پرتو این گونه فهم، دو عنصر اساسی برای حرکت تاریخ وجود دارد:

یکم: فن آوری و تداوم اکتشافات علمی که راه را برای نوسازی اقتصادی هموار می‌سازد.

دوم: مبارزه برای مشروعیت یافتن و به رسمیت شناخته شدن از سوی نیروهای موجود در جامعه که در پایان به ایجاد روالی سیاسی برای به رسمیت شناختن حقوق اساسی بشر می‌انجامد. برخلاف نظریه مارکس، من فرض گرفته‌ام که این روند تحول تاریخی، در مورد دموکراسی و اقتصاد بازار به اوج خود رسیده است.^۱

فوکویاما خود اذعان دارد که توضیح مسیر تاریخ، از طریق میل انسان به برآوردن نیازها و امیال خود، در چهار چوب یک جریان دائمی پیشرفت علمی و فنی (منطق فیزیک مدرن)، نوعی تفسیر صرفاً اقتصادی است:

واضح است مکانیسمی که ما تحلیل کردیم، اساساً یک تفسیر اقتصادی تاریخ است... این مکانیسم نوعی تفسیر مارکسیستی تاریخ است که به نتیجه‌ای کاملاً غیر مارکستی می‌انجامد.^۲

این میل به تولید و مصرف بیشتر است که انسان را وادار به فعالیت شدید و قبول تغییر و تحول‌های جدی‌تر در هر روز می‌کند؛ اما بر خلاف تصور مارکس، جامعه‌ای که به انسان‌ها امکان می‌دهد بیشترین مقدار محصولات را به عادلانه‌ترین روش ممکن تولید

۱. فرانسیس فوکویاما، ده سال پس از طرح فرضیه پایان تاریخ، پگاه حوزه، ش ۴، ص ۸.

۲. غنی نژاد، پیشین، ص ۲۳.

کنند، جامعه کمونیستی نیست؛ بلکه جامعه کاپیتالیستی است. پس او همانند هگل و مارکس معتقد است: تحول جوامع انسانی بی‌پایان نیست؛ بلکه این تحول بالاخره پایان می‌پذیرد. پایان تاریخ زمانی است که انسان به شکلی از جامعه انسانی دست یابد که در آن عمیق‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای بشری، یعنی دموکراسی لیبرال برآورده شود.^۱

بنا بر آنچه که فوکویاما باور دارد، هر چند راه‌های متفاوتی وجود دارد که به پایان تاریخ منتهی شود؛ اما تنها مدل موفق در این خصوص، مدل «سرمایه داری دموکراسی لیبرال» است.^۲

۹-۲. تئوری پایان تاریخ

تئوری پایان تاریخ به طور مشخص یعنی پایان کار تمام فرضیه‌ها و نظریه‌های بدیل که در عرصه سیاست و حکومت برای فرجام تاریخ گفته و نوشته شده است. پیش زمینه‌هایی را می‌توان نام برد که در شکل‌گیری و تقویت این تئوری، نقش به‌سزایی داشته‌اند. روشن‌ترین دگرگونی و تحول در اواخر قرن بیستم، روشن شدن ضعف دیکتاتورهای مقتدر و مضمحل شدن بسیاری از قدرت‌های

۱. کارگر، رحیم، *آینده جهان*، ص ۱۱۸

۲. غنی‌نژاد، پیشین، ص ۲۴.

بزرگ است. هر چند بعد از فروپاشی و از بین رفتن بسیاری از حکومت‌ها جای آنها را حکومتی با زیربنای لیبرال دموکراسی نگرفت؛ اما همچنان این نظریه، آرزوی بزرگ و نظریه‌ای الهام بخش برای فرهنگ‌های مختلف جهان است. علاوه بر این بازار اقتصاد آزاد نیز قوت گرفته است و غیر از کشورهای توسعه یافته، کشورهای فقیر نیز بعد از جنگ جهانی دوم از موفقیت و سعادت مندی مادی برخوردار شده‌اند.

فوکویاما پس از بیان این مقدمات، نظریه خود را این گونه بیان می‌کند: علوم طبیعی جدید نقطه آغاز خوبی است؛ زیرا تنها فعالیت اجتماعی مهمی است که حتی اگر تأثیر نهایی آن بر خوشبختی بشر نامعلوم باشد باز همگان به اتفاق، آن را فرایندی هم‌تجمعی - تراکمی و هم‌جهت دار می‌دانند. تسخیر پیش‌رونده طبیعت - که به واسطه تکوین روش علمی در قرن شانزدهم و هفدهم میلادی امکان‌پذیر شده - هماهنگ با قواعد قطعی و عینی که واضح آنها طبیعت و قوانین آن بوده، پیش‌رفته است.

علوم طبیعی جدید به دو دلیل بر تمام جوامعی که آن را تجربه کرده‌اند، تأثیری یکسان داشته است؛ نخست: تکنولوژی برای آن دسته از کشورهای دارای آن، برتری نظامی قاطعی فراهم کرده است. دوم علوم طبیعی جدید، افق یکسانی را در زمینه امکانات و تولید

گشوده است. تکنولوژی، انباشت نامحدود ثروت را ایجاد کرده و بر این اساس، ارضای مجموعه دائماً فزاینده امیال بشری را ممکن می‌سازد. این فرآیند، همگن شدن فزاینده تمام جوامع بشری را - قطع نظر از ریشه‌های تاریخ یا میراث‌های فرهنگی آنها - تضمین می‌کند (کشورهای نوسازی شده شبیه هم می‌شوند). حال علوم طبیعی نو، هر چند ما را به آستانه سرزمین موعود دموکراسی لیبرال هدایت می‌کند؛ ولی به این سرزمین نمی‌رساند؛ چرا که هیچ دلیل اقتصادی لازمی وجود ندارد که پیشرفت در زمینه صنعتی شدن، به ضرورت موجد «آزادی سیاسی» باشد.

تفسیرهای اقتصادی تاریخ، کامل و رضایت بخش نیستند؛ از این رو به سوی هگل و تفسیر غیر مادی او از تاریخ - که بر پایه پیکار برای «شناسایی» استوار است - باز می‌گردیم. پس میل یا آرزوی شناخته شدن، می‌تواند حلقه گمشده میان اقتصاد لیبرال و سیاست لیبرال را - که در تفسیر اقتصادی تاریخ، جایش خالی بود - فراهم کند. با بالا رفتن سطح زندگی، شهر نشینی و تعلیم و تربیت و دستیابی کل جامعه به شرایطی کیفی بهتر، افراد به تدریج نه فقط طالب ثروت بیشتر؛ بلکه خواهان شناسایی شأن و مرتبه خویش می‌شوند. انسان به آزر خویش نیز، اعتقادی مغرورانه و نشأت گرفته از قوه غضبیه دارد و همین اعتقاد وی را به طلب حکومت‌هایی

دموکراتیک و می‌دارد؛ حکومت‌هایی که با وی به مثابه فردی بالغ و نه کودک، رفتار کنند و خود مختاری اش را به عنوان فردی آزاد، مورد شناسایی قرار دهند. کمونسیم در زمان ما، به این دلیل جای خود را به دموکراسی لیبرال می‌دهد که انسان‌ها متوجه شده‌اند کمونسیم، تأمین کننده شکل بسیار ناقص و معیوبی از شناسایی است. این آرزوی شناسایی، به عنوان موتور محرک تاریخ است و به ما امکان می‌دهد تا بسیاری از پدیده‌هایی چون فرهنگ، کار و جنگ را از نو تفسیر کنیم.

گفتنی است: لیبرال دموکراسی به جای میل به شناخته شدن به عنوان موجودی برتر از دیگران، میل به شناخته شدن به عنوان موجودی برابر با دیگران را قرار می‌دهد. پس جهانی متشکل از دموکراسی‌های لیبرال، انگیزه کمتری برای جنگ خواهند داشت (و تضادها از بین خواهد رفت)؛ چرا که در چنین جهانی، تمام ملت‌ها در مقابل، مشروعیت یکدیگر را مورد شناسایی قرار می‌دهند.^۱ وی با تأیید دیدگاه «الکساندر کوژو» (مفسر بزرگ هگل) می‌نویسد: «کوژو» به تأکید اصرار داشت که تاریخ به فرجام خود رسیده است. ما این را جدی می‌گیریم؛ زیرا مسأله اصلی سیاست در طول هزاران سال

۱. فوکویاما، فرانسیس، فرجام تاریخ و واپسین انسان، ترجمه علی رضا طیب، مجله

سیاست خارجی، ش ۳۰۲، صص ۳۷۷-۳۷۱.

تاریخ بشر را می‌توان تلاش برای حلّ مسأله «شناسایی» دانست. شناسایی مسأله اصلی سیاست است. اگر حکومت قانونی امروز (دموکراسی لیبرال) به راستی دستور العملی یافته باشد که به وسیله آن افراد به ترتیبی مورد شناسایی قرار گیرند که در عین حال از ظهور جباران اجتناب شود؛ در این صورت به راستی و به ویژه می‌تواند در میان رژیم‌هایی که تاکنون بر پهنه زمین ظهور کرده‌اند، مدعی داشتن ثبات و دوام باشد. در نتیجه وی دموکراسی لیبرال را به عنوان پایان تاریخ به شرح زیر توصیف می‌کند:

۱. نقطه پایان ایدئولوژیک بشر؛

۲. آخرین شکل حکومت بشری؛

۳. فارغ از تضادهای درونی و بنیادی؛

۴. متکی بر دو اصل آزادی و برابری.^۱

۹-۳. حکومت پایانی

بیشتر مواقع فرض بر این است که در این دوران فقط یک نوع از حکومت است که مشروعیت دارد و آن حکومت لیبرال دموکراسی است. حکومت‌ها و یا نظریه‌های تأثیرگذار در شکل‌گیری حکومت، وقتی مورد پذیرش است که در راه رسیدن به لیبرال دموکراسی

۱. همان، ص ۳۸۹.

باشند؛ یا به طور اجتناب ناپذیری شباهت‌هایی به نهادهای لیبرال دموکراتیک پیدا کنند. بنا بر نظر فوکویاما - که به شکل اغراق آمیزی هم مطرح شده است - لیبرال دموکراسی «شکل نهایی حکومت بشری» است. وی ده سال پس از ارائه فرضیه خود می‌افزاید:

تمام آنچه من فرض گرفته‌ام، وجود منطقی تکاملی است که تاریخ انسانی از آن پیروی می‌کند و بر اساس آن، کشورهای پیشرفته‌تر، به اقتصاد بازار محور و نظام سیاسی لیبرال دموکراسی روی می‌آورند. بنابراین وجود حادثه یا دولت‌هایی اندک مانند صربستان و ایران که خارج از این روند قرار دارند استثنا است و به اصل فرضیه زیان نمی‌رساند.^۱

به گمان وی، امروزه تقریباً تمام کشورهای پیشرفته صنعتی، نظام و نهادهای دموکراسی لیبرال را پذیرفته‌اند یا در آستانه پذیرش آن قرار دارند و کشورهای سیاسی نیز به اقتصاد آزاد روی آورده و به آن پیوسته‌اند! کل اعتقاد به اینکه حرکت اجتماع توسط نهادهای بزرگ متمرکز در سایه یک ایدئولوژی فراگیری هدایت می‌شود، به پایان خط رسیده است. برای ساختارهای مبتنی بر بازار آزاد اقتصادی و

۱. فرانسیس فوکویاما، ده سال پس از طرح فرضیه، پایان تاریخ، پگاه حوزه، ش ۴، ص ۸.

دولت لیبرال دموکراتیک نیز، هیچ جایگزین تاریخی وجود ندارد و کشورهای پیشرفته - جز سرمایه داری دموکراتیک جهانی - فاقد هر گونه الگوی اقتصادی و سیاسی جایگزین می‌باشند.^۱

او می‌افزاید: امروز بشر فاقد جایگزین‌های تاریخی دیگر است. رتبه بندی‌های مصنوعی مبنی بر ساختارهای سیاسی چون: دولت‌های مطلقه، توتالیتار و دموکراسی‌ها بر پایه بازار آزاد وجود ندارد و همه برای رسیدن به نوعی از نظام دموکراسی بر پایه بازار آزاد تلاش می‌کنند. البته او جهانی شدن لیبرال دموکراسی را با آمریکایی شدن یکی می‌گیرد و گویا می‌خواهد بقبولاند که با مرگ خدا (!) و سقوط کمونیسم، مطلقاً جز ایالات متحده در دهکده جهانی وجود ندارد:

به نظر من جهانی شدن، همان آمریکایی شدن است، چرا که آمریکا از برخی جهات پیشرفته‌ترین کشور سرمایه داری در جهان امروز است و همین طور نهادهای آن، نمایانگر پیشرفت و توسعه منطقی نیروهای بازار است... قطعاً آمریکایی شدن با جهانی شدن یکی است.^۲

۱. امیری، مجتبی، *پایان تاریخ و بحران اعتماد، بازشناسی اندیشه‌های تازه فوکویاما*، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۹۷ و ۹۸، ص ۱۲.

۲. کارگر، رحیم، *جهانی شدن و حکومت جهانی مهدی*، فصلنامه انتظار، ش ۶، ص ۱۶۰.

با توجه به آنچه درباره دیدگاه فوکویاما آمد، می‌توان از نظریه «پایان تاریخ» او، چنین نتیجه گرفت:

۱. عقلانیت لیبرال همان کمال معنوی روح بشر است؛
۲. عقلانیت لیبرال دموکراسی سراسر جهان را گرفته است؛
۳. اساسی‌ترین وظیفه سیاستمداران حفظ و حراست از این عقلانیت است؛
۴. رهبران اصلی دنیا باید سیاستمداران غربی به ویژه آمریکاییان باشند، چرا که اساسی‌ترین نقش را برای براندازی کمونیسم، اینان داشته‌اند.^۱

نقد و بررسی آرا و اندیشه‌ها

آنچه در انظار و تئوری‌های مطرح شده از طرف دانشمندان و نظریه پردازان گوناگون روشن است اینکه بیشتر این متفکران، سیاستمداران و مکاتب گوناگون دارای درد مشترکی هستند. کلام و نوشته بیشتر آنها نشان می‌دهد که آنها از اختلاف، جنگ و نزاع حکومت‌ها بر سر منافع نگران هستند و تنها راه نجات جهان از بی‌عدالتی، ناامنی، فقر و مشکلات فراوان دیگر را، تشکیل یک حکومت واحد برای تمام جهان می‌دانند. بر اساس تمام نظریات ذکر

۱. کارگر، رحیم، آینده جهان، ص ۱۲۳.

شده روشن است که، آنان به این نتیجه رسیده‌اند که به جهت نبودن یک حکومت واحد، بشر تاکنون روی آسایش را ندیده است. به همین خاطر بر این عقیده‌اند که حل مشکلات امنیتی، اقتصادی و اخلاقی بشریت - که در طول تاریخ انسان را آزار داده است - راهی جز تشکیل یک حکومت واحد جهانی ندارد و این امری روشن در نگاه تمام متفکران و سیاستمداران جهان است؛ اما تمام این نظریه‌ها دارای اشکالاتی هستند و هریک به نوعی فقط به بخشی از مشکلات پرداخته‌اند و یا اینکه صرفاً طرح موضوع کرده و بدون نظریه پردازی جامع از کنار موضوع گذشته‌اند. برخی هم یک جانبه به قاضی رفته و صرفاً نظر خویش را بهترین راه نجات بشر دانسته‌اند، بدون اینکه نیازمندی‌های این مهم را مطرح و راه کار لازم را ارائه کرده باشند. در ذیل به برخی آسیب‌ها و اشکالات نظریه‌های مطرح شده، می‌پردازیم. البته به نظریه «فوکویاما» به دلیل اینکه از اهمیت زیادی در نزد صاحب نظران غربی برخوردار است، بیشتر پرداخته می‌شود.

الف. جبرگرایی: یکی از مشکلات جدی برخی از این نظریه‌ها جبرگرایی آنها است؛ یعنی بر این باورند که در آینده، جهان و تاریخ به طور حتمی و جبری، به آن سمت و سویی که آنان می‌گویند، پیش می‌رود و انسان‌ها دست بسته، همراه آن حرکت می‌کنند. به عنوان مثال برخی که برای جهان فرجامی جز نابودی نمی‌دانند، هر

گونه برنامه ریزی و آینده نگری را برای سعادت بشر بیهوده دانسته و جبراً پایان جهان را محکوم به فنا و نابودی می‌دانند.

ب. عدم نظریه پردازی: برخی صرفاً به طرح موضوع اکتفا کرده و بدون هیچ اشاره‌ای از کنار موضوع عبور کرده‌اند. عمده توجه برخی دانشمندان معاصر (مثل فوکویاما) به اقتصاد سیاسی و نظام سرمایه‌داری است. وظایف و نقش حکومت در مبارزات و جریان‌های مختلف از اهمیت برخوردار است نه خود حکومت.

ج. عدم ارائه یک برنامه جامع و کامل: برخی فاقد یک برنامه جامع و کامل برای اداره جهان هستند و نگاه محدود و تک بعدی به آن دارند. در واقع کمتر می‌توان در افکار این دانشمندان، به نظریه‌های جامع و کامل دست یافت که هم به بعد مادی زندگی انسان توجه کند و هم به بعد معنوی و روحی؛ هم دنیای او را آباد کند و هم آخرت او را.

د. مادی نگری: یکی از مهم‌ترین نقدها بر دیدگاه‌های گوناگون، بی‌بهره بودن بیشتر این نظریات از معنویت، اخلاق، عقلانیت و رویکرد الهی است. بیشتر این دیدگاه‌ها طرفدار اباحه‌گری لجام گسیخته و بی‌پروایی و بی‌حد و مرزی در امور دنیوی و آزادی‌های بی‌نهایت و خارج از دایره فطرت بشری هستند.

ه. نپرداختن به نیازهای واقعی: یکی دیگر از نکات فراموش شده در

برخی از این دیدگاه‌ها؛ نیاز واقعی و فطری انسان‌ها است که در جامعه آرمانی ساخته شده بر اساس نظر آنها، ارضا نخواهد شد. مشکلات و کاستی‌های مردم و جوامع، تنها مشکلات مادی، اقتصادی و بی‌عدالتی نیستند؛ بلکه انسان‌ها از کمبود اخلاق، فهم، اندیشه و همدلی رنج می‌برند که در آرمان شهرهای ساخته شده توسط این گونه نظریه پردازان، نشانی از آنها به چشم نمی‌خورد.

نقد نظریه فوکویاما

۱. نکته قابل توجه در نقد این نظریه هم سویی این تز با دیدگاه جنگ تمدن‌های ساموئل «هانتینگتون» است. با دقت در این نظریه می‌توان به این باور رسید که سیاست بازان و طراحان غربی به منظور تحقق اندیشه جهانی سازی و به بیان رساتر و منطبق‌تر بر اهداف آنان، در صدد امریکایی کردن جهان با طرح تئوری پایان تاریخ فوکویاما هستند و با تطبیق عملیاتی این نظریه با دیدگاه جنگ تمدن‌ها تلاش نموده‌اند تا یک تئوری نظری را با یک دیدگاه راهبردی گره زده و به اهداف خویش در سلطه یافتن به منابع مادی و معنوی مردم جهان دست یابند. امروزه نمونه این واقعیت تلخ، ناگوار و شکننده برای جامعه انسانی را می‌توان در لشکرکشی دولت‌مردان آمریکا به افغانستان و عراق و فشار روز افزون به کشورهای مستقل مانند ایران، لبنان، سوریه، کره شمالی مشاهده

کرد. اما طراحان غربی این نظریه‌ها، غافل از این حقیقت‌اند که ملت‌های دارای باورهای دینی و صاحب فرهنگ و تمدن کهن هرگز در برابر سلطه گری و یک‌سونگری اقتدار گرایانه دولت امریکا تن به ذلت نخواهند داد و در برابر هجمه‌های فکری و تجاوزهای آنان به منابع و منافع ملی خویش واکنشی تهاجمی نشان خواهند داد.

۲. نظریه پایان تاریخ بر اساس اصول مکتوب لیبرالیسم استوار است. پس نقد نظریه یاد شده به نقد اصول لیبرالیسم باز می‌گردد. گرچه بررسی و ارزیابی تک تک این اصول از حوصله این نوشته بیرون است؛ اما عمده‌ترین انتقاد بر اصول این مکتب ناسازگاری آنها با اصول حقیقی و بنیادین موافق با سیرت آدمی و گرایش فطری او به اموری چون معنویت، عدالت، کرامت و پایبندی به ارزشها و رفتارهای اخلاقی است و لیبرالیسم به دلیل فقدان یا ناسازگاری اصولش با این دسته از امور در عرصه جهانی با چالش جدی مواجه است!

۳. آغاز طرح تز پایان تاریخ از ناحیه فوکویاما هم زمان با افول مکتب مارکسیسم در جهان بوده است و دقیقا تصور نادرست نظریه پرداز از اینجا ناشی گردیده که شکست یک مکتب مبتنی بر اصول

۱. ر.ک: حسینی، دهشیار، جهانی شدن تکامل فرایند برون بوی ارزشها و نهادها، فصلنامه نگاه حوزه، شماره ۹۹-۹۸.

مادی‌گرایانه و به دور از فطرت و سرشت حقیقت جو و کمال یاب نهادینه در آدمیان، به معنای پیروزی برای مکتب لیبرالیسم تلقی شده است. به نظر می‌رسد نظریه پردازان پایان تاریخ، از این واقعیت روشن غافل بوده، که شکست و ناکامی مارکسیسم به عوامل متعددی بستگی داشته است. از جمله مهم‌ترین و اساسی‌ترین آنها نگرش مادی‌گرایانه به انسان و جهان و جایگزینی این تفکر نادرست به جای سرشت خداجویانه بشری بوده است. هر دو مکتب با دو نگرش مختلف کوشیده‌اند تا انسان و جهان را با این اصل تعریف کنند. حال آنکه سنت تخلف‌ناپذیر الهی، همواره بر این اصل بنیادی بوده، که انسان در مسیر فطرت خویش، قرارگیرد و از آفت‌ها و آسیب‌های پیش‌روی با هدایت پیامبران و آموزه‌های وحیانی کتاب آسمانی و به دنبال آن مجاهدت عالمان و مصلحان، مصون بماند و راه تکامل را به سوی خوشبختی در دنیا و رستگاری در آخرت، بپیماید.

۴. ناتوانی درک این مطلب که لیبرالیسم صرفاً شکلی از اشکال نوگرایی است و در ظاهر بر دیگران پیروز شده است حال آنکه نوگرایی رفته رفته جای خود را به شکل دیگری از جهان‌بینی می‌دهد که به فرانوگرایی معروف است.

۵. تفسیرهای یکسان‌انگار در بسط نگرش لیبرالیسم نوین، از این

نکته غافل‌اند که علت سقوط مارکسیسم، آن بود که طرفداران آن کوشیدند تا یک هویت عام اسطوره‌ای (انسانیت عام و کلی عاری از ارزش‌ها و میراث‌های اخلاقی و فرهنگی) را در جهان محقق سازند. آن غفلت امروز نصیب لیبرالیسم نوین شده است که می‌کوشد فردیت فلسفی را مدلی از انسانیت عام و جهان شمول معرفی کند!^۱

۶. یکی از مهم‌ترین نقدهای این دیدگاه، نداشتن روح معنویت، اخلاق، عدالت و عقلانیت است. این نوع نگاه به انسان و جهان اطراف او، به دلیل عدم سازگاری با فطرت بشری و داشتن قوانین مخالف طبیعت و فطرت انسانی، سرانجامی جز خودشکنی و خودکشی ندارند و پایان کار آنها نابودی است.

۱. کارگر، رحیم، *آینده جهان*، ص ۱۲۳.

پیش دوم:

جهان آینده در دیدگاه ادیان

مساله ایجاد یک حکومت واحد در جهان و پایان یافتن همه ستمها و بیدادگریها، از مسائل مهم و اساسی است که همه ادیان جهان به آن توجه کرده و از وقوع حتمی آن خبر داده‌اند. براساس آنچه در آموزه‌ها و نویدهای کتاب‌های آسمانی آمده و به رغم بدبینی‌ای که تا به حال نسبت به آینده بشر در گستره تاریخ دیده شده است؛ وضعیت کنونی جهان دوام نخواهد داشت. چرخ گردون، روزگاری به نفع مظلومان و صالحان به حرکت درخواهد آمد و فسادهای اجتماعی، ناامنی، شرارت‌ها، و درگیری‌های کنونی، جای خود را به آرامش، امنیت، عدالت و مهربانی خواهد سپرد. بر اساس بشارت و نویدهای پیامبران و کتاب‌های آسمانی، دورنمای جهان و چشم‌انداز آینده بشریت، روشن و اطمینان‌آور خواهد بود. با یک نظر و گذر اجمالی و کوتاه به کتاب‌های آسمانی، به روشنی درخواهیم یافت که وقتی جهان لبریز از فتنه و آشوب گردد و آتش ظلم و

بیدادگری همه جوامع بشری را فراگیرد؛ جنگ‌ها و ستیزه‌جویی‌ها، مردم جهان را خسته و گرفتار کند و حاکمان و پادشاهان و دولت‌مردان در اداره امور کشورها عاجز و ناتوان گشته و چاره‌ای برای حل مشکلات نیابند؛ در چنین وضعیت بحرانی و غیرقابل تحملی، مصلحی الهی با تکیه بر قدرت و قانون الهی قیام خواهد کرد و با اصلاح وضعیت جهان، حکومت واحد عدل‌گستر خویش را با سرکوب حاکمان و قدرت‌طلبان در جهان مستقر خواهد نمود.

وقتی به ادیان آسمانی مراجعه می‌کنیم، کتب آسمانی را سرشار از امید و نویدهای پیروزی و وعده‌های ظهور آن «مصلح جهانی» می‌بینیم. شاید هم برای عده‌ای تعجب آور باشد که در همه ادیان و مذاهب مانند: یهود، مسیح، زرتشتی و آیین اسلام به دادرسی عادل اشاره شده که در پایان جهان ظهور خواهد کرد و با تشکیل حکومت واحد جهانی به همه محرومیت‌ها پایان خواهد داد و شالوده حکومت واحد در جهان را با عدالت و آزادی بنا خواهد گذاشت. شیرین‌تر، بهتر و تعجب‌آورتر برای عده‌ای اینکه بیشتر نویدهایی که در ادیان گذشته آمده، با آنچه در اسلام به ظهور آن بشارت داده شده است، مطابقت کاملی دارد و آنچه در ادیان و مذاهب آمده، به صورت جامع و کامل در آیین مبین اسلام ذکر شده است. در واقع اندیشه حکومت واحد جهانی منجی موعود، تنها در دین اسلام به صورت

کامل و جامع مطرح شده و سایر ادیان نتوانسته‌اند به طور دقیق به ابعاد و زوایای مختلف آن بپردازند و ویژگی‌ها و اوصاف این حکومت را بر شمرند. تکیه اصلی دیدگاه آنها، بیشتر بر روی ظهور منجی و اصلاح جهان و بهبود وضع زندگی بشر است؛ اما در اسلام - به خصوص اندیشه شیعه - ابعاد و اوصاف حکومت جهانی، به طور کامل تبیین شده و برخوردار از یک نظریه جامع برای مدیریت جهان و رفع کاستی‌ها و مشکلات است.

۱. جهان گرایی از دیدگاه ادیان (غیر از اسلام)

نوید مصلح بزرگ جهانی و تشکیل حکومت واحد در جهان بر مبنای عدل در کتاب‌های مقدس و مذهبی مانند: زند، جاماسب، ساکمونی، جوکا، دید براهمه، باباسک، پاتیکل، دادنگ، تورات، انجیل و سایر الواح و کتاب‌ها ذکر شده است.

هر چند غیر از قرآن کریم، همه کتاب‌های آسمانی تحریف شده‌اند؛ ولی باز هم عباراتی در آنها پیدا می‌شود که از تحریف درامان مانده و به ظهور «مصلح بزرگ» و تشکیل حکومت توسط وی در جهان اشاره دارد؛ در اینجا به بعضی از این بشارات اشاره می‌شود:

۱-۱. یهود و وراثت حکومت جهانی

تورات کتاب آسمانی دین یهود است. در این کتاب نویدها و

بشارت‌های فراوانی در رابطه با آمدن مصلح جهانی، در آخرالزمان و تشکیل حکومت عدل گستر وی، در دنیا آمده است. امید بستن به جهانی روشن و نورانی - که در آن بشر با امنیت و آرامش در سایه یک حکومت الهی و عادل زندگی کند - از مهم‌ترین آموزه‌های این کتاب است. اهمیت این باور در این کتاب چنین آمده است:

... شریران منقطع می‌شوند، اما متوکلان به خداوند، وارث زمین خواهند شد. و حال اندک است که شریر نیست می‌شود که هر چند مکانش را جستجو نمایی ناپیدا خواهد بود. اما متواضعان وارث زمین شده...، خداوند روزهای صالحان را می‌داند و میراث ایشان ابدی خواهد بود. در زمان «بلا» خجل نخواهد شد، و در ایام قحطی سیر خواهند بود. لکن شریران هلاک خواهند شد، و دشمنان خداوند، مثل پیه بره‌ها فانی بلکه مثل دود تلف خواهند شد. زیرا متبرکان خداوند، وارث زمین خواهند شد. اما ملعونان وی منقطع خواهند شد. صدیقان وارث زمین شده، ابدا در آن ساکن خواهند شد. به خداوند پناه برده، راهش را نگاه‌دار که تو را به وراثت زمین بلند خواهند کرد و در وقت منقطع شدن شریران این را خواهی دید. اما عاصیان عاقبت مستأصل، و

عاقبت منقطع خواهند شد.^۱

در جای دیگر در خصوص نوید و بشارت حکومت دادگستر - که راستی و درستی در سایه آن بر جهان گسترش خواهد یافت - چنین می‌فرماید:

در روزهایش صدیقان شکوفه خواهد نمود، و زیادتی سلامتی تا باقی ماندن ماه خواهد بود. از دریا تا به دریا و از نهر تا به اقصی زمین سلطنت خواهد نمود. صحرانشینان در حضورش ختم خواهند شد و دشمنانش خاک را خواهند بوسید. اسم او ابدا بماند، اسمش مثل آفتاب باقی بماند، در او مردمان برکت خواهند یافت، و تمامی قبایل او را خجسته خواهند گفت. بلکه اسم ذوالجلال او ابدا مبارک باد، و تمامی زمین از جلالش پرشود. دعای داوود تمام شد.^۲

۱-۲. مسیحیت و سلطنت جهانی مسیح

دین مسیحیت نیز همانند دین یهود، نگاهی امیدوارانه و همراه با انتظار به فرجام تاریخ و آینده بشریت دارد و چشم انتظار روز موعودی هستند که نجات و رستگاری در آن روز، به دست «مسیح»

۱. عهد عتیق، کتاب مزامیر، مزمور ۳۷، بندهای ۳۸-۹.

۲. همان، مزمور ۳۶، بندهای ۲۰-۸.

برای ایشان به ارمغان آورده شود. هر چند نگاه و باور مسیحیان در طول تاریخ، به «نجات‌بخشی» دستخوش اختلافات و دگرگونی‌ها شده است؛ اما مطالب کتاب مقدس، به روشنی از نجات انسان‌ها در پایان تاریخ بحث کرده است و بر خلاف نابسامانی‌هایی که در طول تاریخ بشر تا به حال دیده شده است، آینده را برای بشر روشن و قابل افتخار می‌داند. مسیحیان نیز همچون یهودیان بر این باورند که تاریخ بشری بی‌هدف نبوده و با برنامه و نظمی خاص به سوی هدف و جهتی، مشخص حرکت می‌کند. تاریخ، هدف و سرانجامی دارد که پایان و فرجام آن، زیبا و همراه با امنیت و آرامش است. در نظر خوش‌بینانه مسیحیت به آینده، تاریخ به مثال خطی مستقیم در نظر گرفته می‌شود که آغاز و پایانی دارد. خداوند جهان و همه آنچه در آن است را به همراه انسان، آفریده است.

پس روزی خواهد رسید که خود، به این حرکت پایان خواهد داد و این پایان تاریخ و آخر زمان خواهد بود. نجات و رستگاری انسان‌ها به خصوص مؤمنان در گرو تحقق این وعده الهی خواهد بود، که در این صورت بشر در رفاه بوده و عدالت همه هستی را فراخواهد گرفت و ظلم و تاریکی یأس و ناامیدی از جهان برچیده خواهد شد. نویدهای انجیل در این باره عبارتند از:

۱-۲-۱. اجتماع امته‌ها

اما چون پسر انسان در جلال خود با جمیع ملائکه مقدس خویش آید، آن‌گاه بر کرسی جلال خواهد نشست و جمیع امته‌ها در حضور او جمع شوند و آنها را از همدیگر جدا می‌کند؛ به قسمی که شبان میش‌ها را از بزها جدا می‌کند و میش‌ها را بر دست راست و بزها را چپ خود قرار دهد. آن‌گاه پادشاه به اصحاب طرف راست گوید: بیایید، ای برکت یافتگان از پدر من! و ملکوتی را که از ابتدای عالم برای شما آماده شده است، به میراث گیرید...^۱

۱-۲-۲. تحقق ملکوت الهی

... اما این تاریکی برای قوم خدا که در تنگی هستند، تا ابد باقی نخواهد ماند. خدا سرزمین قبایل زبولون و نفتالی را در گذشته خوار و ذلیل ساخته؛ اما در آینده او تمام این سرزمین را از دریای مدیترانه گرفته تا آن طرف اردن و حتی تا خود جلیل - که بیگانگان در آن زندگی می‌کنند - مورد احترام قرار خواهد داد. قومی که در تاریکی راه می‌رفتند، نور عظیمی خواهند دید. بر کسانی که در سرزمین ظلمت زندگی می‌کردند، روشنایی خواهد تابید... تمام اسلحه‌ها و

۱. کتاب مقدس، انجیل متی، ص ۴۴، باب ۲۵، بندهای ۳۱ تا ۳۴.

لباس‌های جنگی که به خون آغشته‌اند، خواهند سوخت و از بین خواهند رفت؛ زیرا فرزندی برای ما به دنیا آمده! پسری به ما بخشیده شده! بر ما سلطنت خواهد کرد. نام او عجیب، مشیر، خدای قدیر، پدر جاودانی و سرور سلامتی خواهد بود. او بر تخت پادشاهی داوود خواهد نشست و بر سرزمین او تا ابد سلطنت خواهد کرد. پایه حکومتش را بر عدل و انصاف استوار خواهد ساخت و گسترش فرمان‌روایی صلح پرور او را انتهای نخواستی خواهد بود. خداوند قادر متعال چنین اراده فرموده و این را انجام خواهد داد.^۱

۱-۲-۳. تحقق صلح الهی در جهان

مسیح فرزند داوود است. او با خرد و عدل حکومت خواهد کرد. قدرت‌های بزرگ جهان را شکست خواهد داد، مردم خود را از قید حکومت بیگانه‌ها خواهد ساخت و سلطنتی جهانی وضع خواهد کرد که در آن مردم در صلح و سعادت زندگی خواهند کرد.^۲

۱. اشعیا، بند ۹ و ۱۰.

۲. ر. ک: مزامیر سلیمان: باب ۱۷ و ۱۸؛ مکابیان: کتاب اول، باب ۱۴، بند ۳.

۱-۲-۴. تحقق سلطنت الهی

سلطنت پادشاه ما همچون بارانی که بر گیاهان می‌بارد و مانند بارش‌هایی که زمین را سیراب می‌کند، پر برکت خواهد بود. در زمان حکومت او، مردم خدا شناس کامیاب خواهند شد و تا وقتی که گاه باقی باشد، صلح و سلامتی بر قرار خواهد بود...^۱

البته دیدگاه مسیحیان درباره تحقق حکومت جهانی روشن نیست؛ برخی (مثل هزاره گرایان) قائل به سلطنت هزارساله مسیح در روی زمین هستند و این را از مکاشفات یوحنا برگرفته‌اند. عموم مسیحیان (مثل کلیسای کاتولیک) به حکومت جهانی مسیح اعتقادی نداشته و سلطنت او را، مربوط به جهان آخرت می‌دانند؛ یعنی، ملکوت الهی موعود، در آن دنیا برپا خواهد شد. در عین حال به داوری مسیح بین نیکان و بدان در این دنیا معتقدند.^۲

۲. جهان‌گرایی و ویژگی‌های آن در اندیشه اسلام

۲-۱. آیین اسلام و جهان‌شمولی آن

جهانی بودن دین اسلام و اینکه این دین اختصاص به گروه،

۱. مزامیر سلیمان: باب‌های ۱۷ و ۱۸.

۲. رک: کارگر، رحیم، آینده جهان، صص ۱۰۵-۱۱۳.

فرقه، منطقه یا جامعه خاصی ندارد، یکی از امتیازات مهم این آیین الهی است. این نکته که دعوت اسلام همگانی است و محدود به منطقه جغرافیایی یا اندیشه سیاسی خاصی نیست؛ حتی بر کسانی هم که ایمان به این دین ندارند، مخفی نمانده است. ارسال پیک و نامه برای سران کشورهای مختلف مانند قیصر روم، پادشاه ایران، فرمانروای حبشه و مصر از سوی پیامبر اسلام^۱ شاهد تاریخی بر این مطلب است. اگر دین اسلام اندیشه جهانی نداشت و جهانی فکر نمی‌کرد، دلیلی برای چنین دعوتی از سایر امت‌ها و اقوام گوناگون وجود نداشت. لذا نمی‌توان عده‌ای را از عمل به دستورات این دین معاف دانست.

در قرآن کریم و روایات نبوی، دلایل فراوانی بر جهانی بودن دعوت اسلام و رهبری جهان توسط آن، تا زمانی که زندگی در هستی وجود دارد، آمده است. از جمله آیات روشن در این رابطه عبارت است از:

الف. ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا﴾^۲ «او کسی است که پیامبر خود را با راهنمایی و دین راست فرستاد، تا مگر آن را بر هر چه دین است، چیرگی بخشد».

۱. برای مطالعه نامه‌های پیامبر اکرم (ص) ر. ک: سبحانی، جعفر، *فروع ابدیت*، ص ۷۲۱-۶۲۹

۲. فتح (۴۸)، آیه ۲۸.

ب. در رابطه با رحمت فراگیر نبی مکرم اسلام ﷺ آمده است:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾^۱ «و نفرستادیم تو را مگر رحمتی برای جهانیان».

ج. در آیه‌ای دیگر دعوت پیامبر فراگیر و همگانی توصیف شده و فرموده‌اند:

﴿قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا﴾^۲ «بگو: ای مردم من فرستاده خدا به سوی شما هستم».

د. دین اسلام با رسمیت یافتن اصل توحید و توجه به نقاط مشترک و اصلی ادیان - که همان نفی شرک و اعتقاد به وحدانیت است - خود را برای تمام جهان معرفی کرده است. بر همین اساس یکی از انگاره‌های بیان شده در قرآن کریم، دعوت به زندگی مسالمت‌آمیز در کنار هم است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ﴾^۳ «ای کسانی که ایمان آوردید! همگی در صلح و آشتی در آید و از گام‌های شیطان پیروی نکنید».

۱. انبیاء (۲۱)، آیه‌ی ۱۰۷.

۲. اعراف، (۷)، آیه‌ی ۱۵۸.

۳. بقره، (۲)، آیه‌ی ۰۸.

زندگی در کنار هم در صلح و آرامش با عقیده و بینش‌های متفاوت نیز در قرآن به روشنی آمده است.

ه. ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾^۱ «بگوای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است، که جز خدای یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم و بعضی از ما بعضی دیگر را غیر از خدای یگانه به خدایی نپذیرد. هر گاه [از این دعوت] سرباز زنند، بگویید: گواه باشید که ما مسلمانیم».

و. ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾^۲ «او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست فرستاد، تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند؛ هر چند مشرکان خوش نداشته باشند».

آیه یادشده، با همین الفاظ در سوره «صف» آمده و با تفاوت مختصری در سوره «فتح» تکرار شده است و از رویدادی مهم خبر می‌دهد. اهمیت مذکور، موجب تکرار آن شده است و از جهانی شدن اسلام و فراگیری این آیین، بر روی زمین خبر می‌دهد.

۱. آل عمران (۳)، آیه ۶۴.

۲. توبه (۹)، آیه ۳۳.

شکی نیست در حال حاضر، استقرار حکومت جهانی تحقق نیافته است؛ ولی این وعده حتمی خدا به تدریج در حال تحقق است. طبق روایات، استقرار این نظام، هنگامی خواهد بود که حضرت مهدی علیه السلام ظهور کند و برنامه جهان شمولی اسلام را تحقق بخشد.

شیخ صدوق، از امام صادق علیه السلام، در تفسیر این آیه نقل می‌کند:

به خدا سوگند! هنوز تأویل این آیه نازل نشده و نخواهد شد، تا آنکه قائم علیه السلام خروج کند. وقتی او ظهور کرد، دیگر هیچ کافر به خدا و منکر امامی نمی‌ماند؛ مگر اینکه از خروج آن حضرت ناراحت می‌شود. حتی اگر کافری در دل سنگی پنهان شود، آن سنگ می‌گوید: ای مؤمن! در دل من کافری پنهان شده است، مرا بشکن و او را بیرون بیاور و به قتل برسان.^۱

در تفسیر قمی آمده است: این آیه درباره قائم آل محمد علیه السلام نازل شده و اینکه درباره آن حضرت نازل شده، بدین معنا است که خروج او تأویل این آیه است. از روایت شیخ صدوق هم این مطلب برداشت می‌شود.

چنان که گذشت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به سران کشورها مانند قیصر روم و پادشاه ایران و فرمانروایان مصر و حبشه و شامات و نیز به

۱. کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۷۰

رؤسای قبایل گوناگون عرب نامه نوشت و همگان را به پذیرفتن این دین مقدس دعوت کرد و از پیامدهای وخیم کفر و روی گردانی از اسلام، برحذر داشت. اگر دین اسلام جهانی نبود، چنین دعوت عمومی انجام نمی گرفت و دیگر اقوام و امتها هم برای عدم پذیرش اسلام، عذری داشتند.^۱

شمولیت دین اسلام، در قرآن کریم با الفاظی همچون «عالمین»، «ناس»، «کافه» و «جمیعاً» آمده است و با توجه به وسعت معنا و مفهوم کلمات ذکر شده، جهان شمولی اسلام و فراگیر بودن دعوت این دین مبین، بر همگان روشن بوده و نیازی به توضیح و تفسیر ندارد. چندین مؤلفه مهم در جهان شمولی اسلام وجود دارد:

۱-۱-۲. جاودانگی

با بررسی منابع اسلامی، روشن می شود که «اسلام» تنها دینی است که در طول دوره های تاریخی برای بشر بوده و همه انبیای الهی، شریعت خود را با نام اسلام به مردم ارائه کرده اند. اوج کمال بشریت، در ظرفیتها و قابلیت های پذیرش شریعت الهی در زمان نبی مکرم اسلام بوده که دین و آیین الهی به صورت کامل در راستای هدایت بشر تا دامنه قیامت ابلاغ شده است. بنابراین ریشه

۱. مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش عقاید، ج ۲، ص ۱۱۶.

همه ادیان الهی یکی است و تمامی پیامبران از - حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام تا حضرت خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - مردم را به پرستش خدای یکتا دعوت کرده‌اند. البته شرایط، و توانایی‌های فردی و اجتماعی و مردم، در میزان دستورات ابلاغ شده متفاوت بوده است. هر زمان مردم به اندازه عقول و درکشان با مبانی هدایتی شریعت‌ها و ادیان آشنا شده‌اند، تا زمان نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که بشر به حدی از بلوغ رسید که همه آنچه برای هدایت نیاز داشت، در قالب دین مبین اسلام دریافت کرد. از این رو شریعت مورد رضای خداوند و دین کامل، پویا و ابدی - که برای هدایت بشر تا روز قیامت برنامه دارد - فقط اسلام است. با این دین برای همیشه مهر پایان بر ارسال پیامبران و نزول کتب آسمانی زده شد. لذا فرمود: ﴿لَا رَطْبَ وَ لَا يَابِسَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾^۱.

بر اساس این آیه هیچ چیزی نمانده که بشر به آن نیازمند باشد و در قرآن کریم - که برنامه هدایت بشر تا دامنه قیامت است - نیامده باشد.

در این رابطه به ذکر چند آیه از قرآن کریم می‌پردازیم:

الف. ﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾^۲؛ «در حقیقت، دین نزد

۱. انعام(۵)، آیه ۵۹.

۲. آل عمران (۳)، آیه ۱۹.

خداوند ﷻ همان اسلام است.»

علامه طباطبایی رحمته الله علیه در معنای این آیه می‌نویسد:

دین نزد خدای سبحان یکی است و اختلافی در آن نیست و بندگان خود را امر نکرده، مگر به پیروی از همان دین و بر انبیای خود هیچ کتابی نازل ننموده، مگر درباره همان دین، و هیچ آیت و معجزه‌ای به پا نکرده، مگر برای همان دین که آن دین عبارت است از اسلام، یعنی تسلیم حق شدن، و به عقیده‌های حق معتقد گشتن، و اعمال حق انجام دادن^۱.

به عبارتی دیگر:

آن دین واحد عبارت است از تسلیم شدن در برابر بیانی که از مقام ربوبی در مورد عقاید و اعمال و یا در مورد معارف و احکام صادر می‌شود.^۲

وی در تبیین معنای مورد نظر می‌نویسد:

هر چند به طوری که در قرآن حکایت شده در شریعت‌های رسولان و انبیای او، از نظر مقدار و کیفیت مختلف است؛ لیکن در عین حال از نظر حقیقت چیزی به جز همان امر واحد نیست. اختلافی که در شریعت‌ها هست از نظر کمال و

۱. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی، ج ۳، ص ۱۸۸.

۲. همان، ص ۱۸۹.

نقص است، نه اینکه اختلاف ذاتی و تضاد و تنافی اساسی بین آنها باشد. معنای جامعی که در همه آنها هست عبارت است از: تسلیم شدن به خدا در انجام شرایعش، و اطاعت او در آنچه که در هر عصری با زبان پیامبرش از بندگانش می‌خواهد.^۱

این مفهوم در سوره حج به روشنی آمده است:

﴿مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ...﴾^۲؛ «آیین

پدرتان حضرت ابراهیم، او بود که قبلاً شما را مسلمان نامید».

در تفسیر نمونه نیز در باره این جمله، ضمن بیان نظرات گوناگون چنین آمده است: «نظر صحیح‌تر این است که ضمیر به خداوند متعال برمی‌گردد، یعنی، خدا هم در کتب پیشین و هم در قرآن شما (ملت ابراهیم) را به این نام (اسلام) افتخار آمیز آفریده است».^۳ صاحب این تفسیر شریف دلیل استناد خود را این آیه می‌داند، که می‌فرماید: «او شما را در کتب پیشین و در این کتاب (قرآن) مسلمان نامید»^۴

۱. همان.

۲. همان.

۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۱۸۳.

۴. همان.

ب. ﴿وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾^۱؛ «با سلیمان برای خداوندی که پروردگار عالمیان است اسلام آوردم». این آیه شریفه از زبان بلقیس است که ایمان آوردن وی به آیین حضرت سلیمان را با کلمه اسلام بیان کرده است. علامه طباطبایی در این خصوص چنین می‌نویسد:

در این جمله «اسلمت» را نسبت به خدای تعالی به کار برد، التفات از خطاب و غیبت و وجه این التفات این است که خطاب از ایمان اجمالی به خدا در جمله ﴿رَبِّ اِنِّی ظَلَمْتُ نَفْسِی﴾، به توحید صریح انتقال یابد؛ چون در جمله بعدی اسلام خود را بر طریقه اسلام سلیمان دانست که همان توحید صریح باشد...^۲

ج. ﴿نَحْنُ اَنْصَارُ اللّٰهِ اٰمَنَّا بِاللّٰهِ وَ اَشْهَدُ بِاَنَّا مُسْلِمُونَ﴾^۳؛ «ما یاوران خداییم، به خدا ایمان آوردیم». این آیه - چنانکه در تفسیر المیزان آمده - به معنای ایمان آوردن حواریون حضرت عیسی علیه السلام می‌باشد که تعبیر «به مسلمون» شده است. در این تفسیر آمده است: «... وقتی حضرت عیسی علیه السلام از حواریون سوال کرد: کیست

۱. نمل (۲۷)، آیه ۴۴.

۲. المیزان، ج ۱۵، ص ۵۲۳.

۳. آل عمران (۳)، آیه ۵۲.

که مراد در پاسخش عین درخواست او را به زبان آورده و گفتند: «نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ»؛ ما ایم انصار خدا، و دنبال پاسخ جمله‌ای را گفتند که به منزله تفسیر آن است و آن این است که در «أَمَّا بِاللَّهِ وَ أَشْهَدُ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ»؛ «و منظورشان از اسلام، تسلیم خدا و رسول او شدن و اطاعت و پیروی کردن است»^۱.

د. ﴿... لَا تُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ وَ مَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾^۲؛ «میان هیچ یک از آنان [پیامبران] فرق نمی‌گذاریم و ما برای او اسلام آورده‌ایم و هر که جز اسلام دینی دیگر جوید هرگز از وی پذیرفته نشود و وی در آخرت از زیانکاران است».

یعنی آیا غیر اسلام را می‌جویند با اینکه اسلام دین خداست؟ چون هر کسی که در آسمان‌ها و زمین است، تسلیم او و منقاد امر او است.^۳ بر اساس این آیات و آیات دیگری از قرآن کریم، دین همواره و همیشه نزد خداوند متعال اسلام است؛ هر چند شریعت‌های گوناگون با انبیای متفاوت به مردم ابلاغ شده است. دین اسلام به

۱. المیزان، ج ۱۵، ص ۵۱۹.

۲. آل عمران (۳)، آیات ۸۴ و ۸۵.

۳. المیزان، ج ۱۵، ص ۵۱۹.

عنوان آخرین شریعت برای همیشه تا پایان تاریخ، عهده‌دار هدایت و سعادت بشر است و یگانه راه سعادت دنیوی و اخروی را بیان کرده است.

۲-۱-۲. برنامه کامل زندگی

بی‌تردید انتخاب نزدیک‌ترین، بهترین و هموارترین راه برای رسیدن به هدف، نکته‌ای است که هر انسان خردمندی به آن توجه لازم را دارد. انتخاب کامل‌ترین شریعت برای رسیدن به هدف والای انسانی (کمال) برازنده هر عقل سلیم و هر انسان دوراندیشی است. از آنجا که با گذر زمان و رشد استعدادها، دین روز به روز کامل‌تر شده است، برای انسان بهتر این است که کامل‌ترین دین را انتخاب کند. استاد شهید مطهری در این رابطه می‌فرماید:

«بشر در مسیر تکاملی خود مانند قافله‌ای است که در راهی و به سوی مقصود معینی حرکت می‌کند؛ ولی راه را نمی‌داند هر چند یک بار، به کسی برخورد می‌کند که راه را می‌داند و با نشانی‌هایی که از او می‌گیرد ده‌ها کیلومتر راه را طی می‌کند... تا تدریجاً خود قابلیت بیشتری برای فراگیری پیدا می‌کند و می‌رسد به شخصی که نقشه کلی راه را از او می‌گیرد و برای همیشه با در دست داشتن آن نقشه از

راهنمایی جدید بی‌نیاز می‌گردد.^۱

روش و برنامه اجتماع عقلا و عقل بر این است که به قانون و حکمی که در آخرین مرحله از کمال است، عمل کنند. و از آنجا که بر اساس شواهد تاریخی، و بیان روشن قرآن کریم، آخرین دین عرضه شده به انسان‌ها، اسلام است؛ عقل آخرین فرمان الهی را برگزیده و خود را تابع دین کامل و همیشه ماندگار اسلام می‌داند. استاد شهید مطهری در این خصوص می‌نویسد: «لازمه تسلیم خدا شدن پذیرفتن دستورهای او است و روشن است که همواره به آخرین دستور خدا باید عمل کرد و آخرین دستور خداوند همان چیزی است که آخرین رسول او آورده است.^۲ به همین جهت قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ﴾^۳؛ «و هر که جز

اسلام، دینی [دیگر] جوید، هرگز از وی پذیرفته نشود.»

قرآن مجید در این آیه، اسلام را به معنای وسیعی تفسیر کرده که: تمام کسانی که در آسمان و زمین‌اند و تمام موجوداتی که در آنها وجود دارد مسلمان‌اند. پس در برابر فرمان او تسلیم‌اند؛ زیرا روح

۱. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۳، ص ۱۶۱

۲. مطهری، مرتضی، عدل الهی، ص ۲۷۱.

۳. آل عمران (۳) آیه ۸۵

اسلام همان تسلیم در برابر حق است^۱ و شکی نیست که بشر، زمانی تسلیم در برابر حق است که آخرین دستورات ابلاغی خداوند متعال را عمل کرده باشد. در این صورت گرویدن بشریت به دین الهی و قرار گرفتن در پرتو آن، نور ایمان و سعادت ابدی را به دنبال دارد. در قرآن کریم آمده است:

﴿كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ وَ أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكَمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَ مَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَ اللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾^۲؛

«مردم [در آغاز] یک دسته بودند، و تضادی در میان آنها وجود نداشت. به تدریج جوامع و طبقات پدید آمد و اختلاف و تضادهایی در میان آنها پیدا شد. در این حال خداوند، پیامبران را برانگیخت تا مردم را بشارت و بیم دهند، و کتاب آسمانی - که به سوی حق دعوت می‌کرد - به آنها نازل نمود، تا در میان مردم، در آنچه اختلاف داشتند، داوری کند. (افراد با ایمان در آن اختلاف نکردند). تنها (گروهی از) کسانی که کتاب را دریافت داشته بودند، و به نشانه‌های روشن به آنها رسیده بود، به جهت انحراف از حق و ستمگری، در آن

۱. تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۶۴۳

۲. بقره (۲)، آیه ۲۱۳.

اختلاف کردند، خداوند آنهایی را که ایمان آورده بودند، به حقیقت آنچه مورد اختلاف بود، به زمان خودش رهبری نمود. اما افراد بی‌ایمان، همچنان در گمراهی و اختلاف باقی ماندند. و خدا هر کس را بخواهد هدایت می‌کند».

به بیان دیگر به تعبیر قرآن، انسان موجودی عبث و بی‌هدف نیست: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾^۱؛ «خلق نکردیم جن و انس را مگر برای بندگی».

هدف از آفرینش انسان این است که بشر در مسیر تکامل خود با اختیار باشد و به سوی کمال نهایی، راه مستقیم و نزدیک را طی کند. انسان برای رسیدن به ساحل امن سعادت، باید در طریق مستقیم قرار گیرد که در آیاتی نظیر: ﴿وَهُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَ هُدُوا إِلَى صِرَاطِ الْحَمِيدِ﴾^۲؛ ﴿أَلْهَدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾^۳ و...^۴ ﴿وَأَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ﴾^۴ به آن اشاره شده است. بر اساس این آیات، انسان هدفدار است و برای رسیدن به هدف باید راه مستقیم را انتخاب کند و راه فقط دین اسلام است؛ چرا که دین اسلام ذیل دین

۱. ذاریات (۵۱)، آیه ۵.

۲. حج (۲۲)، آیه ۲۴.

۳. حمد، آیه ۶.

۴. انعام، آیه ۱۵۳.

کامل است. قرآن می‌فرماید: ﴿وَتَمَّتْ كَلِمَةَ رَبِّكَ صِدْقًا وَ عَدْلًا لَا مَبْدَلَ لِكَلِمَاتِهِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾؛^۱ «ای پیامبر! سخن پروردگارت که راهنمای راستی و عدالت است با نزول قرآن پایان یافت، هیچ کس یارای آن را ندارد که کلمات او را دگرگون سازد و او شنوا و داناست». براساس این آیه لذا تنها راه برای رسیدن بشر به هدف مطلوب، کامل‌ترین و بهترین راه هدایت، یعنی اسلام است.

از این رو بشریت برای نجات خود و داشتن فرجامی نیکو، باید در پرتو دین اسلام در راه راست قرار گیرد. و به لحاظ اجتماعی بودن انسان و ارتباط تنگاتنگ سرنوشت افراد بشر به یکدیگر، ضرورت دارد همه جامعه‌ها و افراد بشر در این راه راست (اسلام) قرار گرفته و مسیر سعادت را طی نمایند. در این صورت است که نیاز به یک حکومت واحد در جهان، بر محوریت اسلام و توحید و در سایه حکومت عدل الهی ضرورت پیدا می‌کند. آیت الله مصباح یزدی در این باره می‌نویسد:

«دانستیم که هدف اصلی و اولی از بعثت انبیا کامل کردن شرایط برای رشد و تکامل آزادانه و آگاهانه انسان‌ها بوده، که به وسیله قرار دادن وحی الهی در دسترس مردم، تحقق یافته است. همچنین اهداف دیگری نیز منظور بوده از جمله

۱. انعام، آیه ۱۱۵.

می‌توان کمک به رشد عقلاتی و تربیت روحی و معنوی افراد مستعد را به شمار آورد و در نهایت انبیا در صدد تشکیل جامعه ایده‌آل بر اساس خداپرستی و ارزش‌های الهی و گسترش عدل و داد در سراسر زمین بوده‌اند و هر کدام در حد امکان، قدمی در این راه برداشته‌اند و بعضی از ایشان توانسته‌اند در محدوده جغرافیایی و زمانی خاص حکومت الهی را برقرار سازند، ولی برای هیچ کدام از ایشان شرایط تشکیل حکومت جهانی، فراهم نشده است... و با توجه به اینکه امامت، متمم نبوت و تحقق بخش خاتمیت است، می‌توان نتیجه گرفت که این هدف به وسیله آخرین امام، تحقق خواهد [یافت...].^۱

این اصل در قرآن کریم به شکل‌های گوناگون آمده است؛ از جمله: ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾^۲.

بر اساس این آیه و آیات مشابه، روشن می‌شود که اسلام به عنوان کامل‌ترین و بهترین دین الهی، به زودی به طور کامل در سراسر گیتی منتشر خواهد شد و با غلبه بر همه اندیشه‌های دینی و

۱. مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش عقاید، ص ۳۲۹.

۲. انبیاء (۲۱)، آیه ۱۰۵.

غیردینی دیگر، حکومت عدل الهی را برای سعادت بشری تشکیل خواهد داد و... .

۲-۲. حکومت مصلح جهانی (اندیشه مهدویت)

۲-۲-۱. حکومت مصلح جهانی در نگاه آیات

همان طور که گفته شد، دین اسلام یک دین کامل و همیشگی است؛ لذا آموزه‌ها و گزاره‌های این دین متناسب با شرایط زمان و مکان در حرکت است. و همچنین اسلام و دستورات آن با فطرت انسان - که قسمت ثابت و ماندگار حیات انسانی است - هماهنگ است و می‌تواند بشر را با پاسخ‌گویی به خواسته‌ها و نیازهای فطری‌اش، به ساحل نجات و آرامش برساند. آیات فراوانی از قرآن کریم به روشنی از جهانی بودن حکومت اسلام و فراتر بودن آن از نژاد، قوم، منطقه، جغرافیا و زمان خاص، سخن گفته و به شکل‌های گوناگون نگاه جهانی اسلام را در تشکیل یک حکومت واحد ترسیم کرده است. در اینجا به ذکر چند آیه به عنوان نمونه اکتفا می‌کنیم:

الف. ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾؛^۱ «او است خداوندی که پیامبرش را با هدایت، و دین حق فرستاد، تا او را بر همه ادیان غالب گرداند. هر

چند که مشرکان کراهت داشته باشند».

این آیه علاوه بر سوره «توبه»، در سوره «فتح»^۱ و با اندک تفاوتی در سوره «صف»^۲ نیز آمده است؛ چرا که قرآن کریم روی جهانی شدن اسلام و پیشرفت آن، تا تشکیل حکومت واحد جهانی تأکید بسیار دارد. به ویژه آنکه سرانجام، اسلام هم از نظر منطق بیان و گفتار و هم از نظر اجتماعی، رشد چشم‌گیری کرده و اکنون هم در حال رشد، پیشرفت و پویایی است و البته مرحله نهایی این پیشرفت در آینده‌ای نه چندان دور - تشکیل حکومت واحد - در جهان به رهبری واپسین ذخیره الهی تحقق پیدا خواهد کرد.

در تفسیر المیزان درباره این آیه آمده است:

«اضافه کلمه دین به کلمه حق - به طوری که گفته‌اند - اضافه‌ای است بیانی؛ ولی ظاهراً این اضافه در اصل اضافه لامیه بوده، و عنایت لطیفی در آن به کار رفته، و آن این است که هر یک از حق و باطل، برای خود دینی دارند که مطابق اقتضای خاص آنها است، و خدا از بین آن دو، دین حق را پسندیده است؛ برای اینکه خودش حق است و بدین جهت رسول خود را به ابلاغ دین حق گسیل داشته است».

۱. فتح (۴۸)، آیه ۴.

۲. صف (۶۱)، آیه ۵.

کلمه «اظهار» وقتی در مورد چیزی، علیه چیز دیگر استعمال می‌شود، معنای «غلبه» می‌دهد. وقتی می‌گوییم دین اسلام را بر سایر ادیان اظهار داد، معنایش این است که آن را بر سایر ادیان غلبه داد منظور از همه‌ادیان، تمام روش‌های غیرخدایی است که در بین بشر رایج است. و این آیه در مقام تحلیل عبارت «والله متم نوره» است که در آیه قبل آمده، و معنایش این است که: خدا نور خود را تمام می‌کند؛ زیرا خدا آن کسی است که رسول خود را با نورش گسیل داشت. نوری که همان هدایت و دین حق است؛ تا آن را بر همه ادیان غلبه دهد، هر چند مشرکان بت‌پرست نخواهند. از این دو آیه استفاده می‌شود که دین حق، نور خدا در زمین است. چنان که این معنا از جمله «مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ»^۱ نیز استفاده می‌شود. با این بیان، دین برای انسان‌ها نور است و فقط در پرتو این نور، انسان می‌تواند راه هدایت را تا رسیدن به سعادت طی کند. این نور سراسر جهان را روشن خواهد کرد؛ هر چند دشمنان خدا مخالف باشند. با توجه به اینکه در گذشته این اتفاق نیفتاده و وعده الهی نیز حتمی است؛ پس در آینده محقق خواهد شد.

۱. رک: الصیران، ج ۱۵، صص ۵۱۹-۵۲۱.

در روایتی آمده است:

«حضرت امیر علیه السلام هنگام تلاوت این آیه از یاران خود پرسید: آیا این پیروزی حاصل شده است؟ گفتند: آری حضرت فرمود: نه سوگند به کسی که جانم به دست او است! این پیروزی آشکار نمی‌شود، مگر زمانی که هیچ آبادی روی زمین نماند، مگر آنکه صبح و شام بانگ «لا اله الا الله» از آن به گوش رسد».^۱

امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

«در آن هنگام که قائم قیام کند، هیچ سرزمینی باقی نخواهد ماند؛ مگر اینکه شهادت به توحید و نبوت در آن ندا داده خواهد شد».^۲

ب. ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾^۳؛ «و همانا در زبور پس از ذکر نوشتیم که زمین را بندگان شایسته من به ارث خواهند برد».

۱. تاویل الآیات، ص ۶۶۳

۲. «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ علیه السلام لَا يَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا نُودِيَ فِيهَا بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ»، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳، ۸۱؛ و شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۵۴.

۳. انبیا (۲۱)، آیه ۱۰۵.

ج. ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾؛^۱ «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده می‌دهد که قطعا آنها را حکمران زمین خواهد کرد همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنها پسندیده پابر جا و ریشه دار خواهد ساخت و ترس‌شان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند [آن چنان] که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نمی‌سازند و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقان‌اند».

در آیه فوق چند نوید امید بخش در دل خدا باوران زنده گشته و به آنان چنین مژده داده شده است:

۱. آنان خلافت و حکومت بر جهان را به دست خواهند آورد؛
۲. دین حق (اسلام) در جهان رسمی و سراسری و همواره پابرجا خواهد ماند؛
۳. وحشت و نا امنی از میان دین‌داران از بین رفته و امنیت و ثبات جایگزین آن خواهد شد؛
۴. پرستش خدای متعال و فرمان برداری از او همگانی و بی‌هیچ مانعی آزاد خواهد بود؛

۵. جلوه‌های آلوده به شرک از جامعه جهانی رخت بر می‌بندد و یکتا پرستی در زمین گسترده و حاکم خواهد شد.

عبارت «لیستخلفنهم فی الارض» در آیه مذکور، حکایت از وعده تخلف ناپذیر الهی به مومنان صالح دارد. اطلاق واژه «الارض» و در آمدن «لام غایت» بر عبارت «یستخلف» این معنا را آشکار می‌سازد و نتیجه این بشارت آن است که آیین مورد رضایت مؤمنان در جهان، استوار می‌گردد؛ ترس از بین رفته و امنیت و ثبات در سراسر زمین برقرار می‌شود. تفسیر پیشوایان معصوم نیز بر این مطلب صحه می‌گذارد؛ چنان که امام سجاد علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«هم والله شیعتنا اهل البیت یفعل الله ذلک بهم علی یدی رجل منا و هو مهدی هذه الامه و هو الذی قال رسول الله ﷺ لو لم یبق من الارض الا یوم واحد لطول الله ذلک الیوم حتی یلی رجل من عترتی اسمه اسمی یملا الارض عدلا و قسطا کما ملئت ظلما و جورا»؛ «سوگند به خدا! آنان شیعیان ما اهل بیتند. خدا این وعده (حکومت جهانی) را برای آنان به دست مردی از خاندان ما که - مهدی این امت است - انجام می‌دهد و رسول خدا ﷺ درباره او فرمود: اگر یک روز از زمین باقی نماند، خدا آن روز را چنان طولانی کند تا مردی از خاندانم - که هم‌نام من است ولایت و

حاکمیت بر زمین یابد - آن را از داد بگستراند، همان گونه که از بیداد فرا گرفته شده بود».

طبرسی پس از نقل روایت یاد شده از امام سجاد علیه السلام نوشته است: «همانند این سخن از امام باقر و صادق علیهما السلام گزارش شده است و بدین سان مراد از عبارت «الذین امنوا و عملوا الصالحات»، براساس اخبار و روایات اهل بیت علیهم السلام مهدی آل محمد علیهم السلام و بشارت به پیامبر و خاندانش علیهم السلام است به اینکه در هنگام قیام حضرت مهدی علیه السلام قدرت و حکومت در سراسر جهان از آن حضرت شد، و ترس و نا امنی از جامعه برداشته می شود».^۱

مؤلفه‌های حکومت جهانی مصلح موعود

۱. انقلاب جهانی مهدوی

حکومت واحد جهانی به باور ادیان الهی و با محوریت دین مبین اسلام، به رهبری واپسین ذخیره حق در سرتاسر جهان تشکیل خواهد شد. امام مهدی علیه السلام برای اینکه بتواند موانع سر راه تشکیل حکومت، خود را بردارد، نیاز به یک جنبش و انقلاب عظیم دارد. این

۱. ۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان لعلوم القرآن، ج ۴، ذیل آیه.

حرکت باید به شکلی طراحی و اجرا شود که سرتاسر جهان را فراگیرد و زمینه‌های تحقق حکومت واحد را در تمام هستی فراهم سازد. حضرت مهدی علیه السلام در چهارچوب موازین و ملاک‌های دینی و اخلاقی خویش نهضتی عظیم را بر محوریت اخلاق و شرع اسلام ایجاد می‌کند و با تکیه بر قانون دعوت و جنگ و انقلاب خود را به پهنه گیتی عرضه می‌کند. برخلاف نظر برخی عوام ساده و یا بعضی عالمان بد اندیش - که حضرت مهدی علیه السلام، انقلاب خود را از همان ابتدا با جنگ و خونریزی آغاز می‌کند - حضرت ابتدا همه را به راه راست و صراط مهدوی دعوت می‌کند و به سان پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله با هدایت‌گری کار خود را آغاز می‌کند. پس از دعوت بسیار و گرویدن تعداد فراوانی از مردم، انقلاب جهانی را شکل می‌بخشد و مبارزه با مخالفان جنگ طلب و حاکمان منفعت خواه و سیاست‌بازان بد اندیش را آغاز می‌کند.

بنا بر روایتی از امام صادق علیه السلام از سیزده شهر با امام زمان مبارزه می‌کنند که این به معنای جنگ بین دو گروه عمده در جهان؛ یعنی، جبهه حق و جبهه باطل است. در روایت آمده است: «اهل سیزده شهر و طایفه با امام قائم نبرد می‌کنند: اهل مکه، اهل مدینه، اهل شام، بنی امیه، اهل بصره، اهل دشت میسان، کردها، عرب‌های ضیه،

غنی باهله، ازد، بصره و اهل ری».^۱ امام کاظم علیه السلام پیرامون تفسیر این آیه شریفه (و له اسلم من فی السموات و الارض طوعا و کرها) می فرماید: «این آیه درباره قائم علیه السلام فرود آمده است؛ هنگامی که علیه یهود، نصارا، صابئین، مادی گرایان و برگشتگان از اسلام و کافران در شرق و غرب کره زمین قیام می کند و اسلام را به آنان پیشنهاد می نماید».^۲

از آنجا که حکومت مهدوی، جهانی بوده انقلاب مهدی نیز فراگیر و گسترده خواهد بود: «لِنَغْرِزَنَنَّ عَنْكُمْ أَمْرَاءَ الْجَوْرِ وَ لِنُطَهِّرَنَّ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ غَاشٍ»^۳؛ «حکمرانان ستم پیشه را عزل می کند و زمین را از هر انسان نیرنگ باز و فریبکار پاک می سازد».

با توجه به این روایت و روایت های بی شمار دیگر، حضرت مهدی علیه السلام با یک جنبش اخلاقی و سیاسی زمینه را برای تشکیل حکومت الهی در سراسر جهان آماده می کند.^۴

۲. تشکیل حکومت فراگیر جهانی

پس از انقلاب عظیم مهدوی و هدایت توده مردم به سوی

۱. اثبات الهدی، ج ۳، ص ۵۴۴، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

۲. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳، اثبات الهدی، ج ۳، ص ۵۴۹.

۳. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۲۰.

۴. رحیم کارگر، جستارهایی در مهدویت، ص ۷۵ و ۷۶.

حکومت نور و سرکوبی دشمنان الهی، حضرت حجت علیه السلام حکومت خویش را تشکیل می‌دهد و جهان را آماده حرکت در جاده کمال می‌نماید. بعد از آنکه دنیا از لوٹ وجود حکومت‌ها و اندیشه‌های مدعی پاک شد، تشکیل حکومت واحد عدالت محور طعم شیرینی است که حلاوت آن به مذاق بشریت خوش آمده و انسان‌ها سعادت را تا ابد یار و همراه خود می‌بینند. «محدث نوری» در این خصوص می‌نویسد: «از صفات و ویژگی‌های مهدی علیه السلام فرا گرفتن سلطنت آن حضرت تمام روی زمین را از شرق تا غرب، برّو بحر، معموره و خراب و کوه و دشت است. نماند جایی که حکمش جاری و امرش نافذ شود و اخبار در این معنا متواتر است».

مهم‌ترین ویژگی حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام، قرار گرفتن جهان تحت یک مدیریت واحد است. به گونه‌ای که خودرأیی‌ها، مقام پرستی‌ها و خودمختاری‌های منفعت طلبانه، از میان برداشته خواهد شد و همه مردم بر اطاعت از یک حاکم مقتدر و عادل، اتفاق نظر خواهند داشت. رسول اکرم صلی الله علیه و آله طی سخنانی نورانی در این باره چنین فرمود:

«يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ»^۱؛ «دولت و سلطنت

۱. اربلی، کشف الغمه، ج ۳، ص ۹۷

مهدی علیه السلام همه شرق و غرب جهان را در بر می گیرد».

و یا در روایتی دیگری از ایشان آمده است: «

«ولا یكون ملک الا الاسلام»^۱؛ در آن روز حکومتی جز

حکومت اسلام نخواهد بود».

امیر مؤمنان علیه السلام نیز فرمود:

«حضرت مهدی علیه السلام شرق و غرب جهان را تحت سیطره

خود درآورد... شرّ از جهان رخت بر بندد و تنها خیر باقی

بماند»^۲.

این معنا در کلام نورانی امام باقر علیه السلام نیز بدین گونه آمده است:

«حضرت قائم علیه السلام ۳۰۹ سال حکومت می کند؛ چنان که

اصحاب کهف مدت ۳۰۹ سال در غار ماندند؛ زمین را پر از

عدالت می کند؛ آن چنان که پر از جور و ستم شده باشد.

خداوند شرق و غرب عالم را برای او فتح می کند»^۳.

امام سجاد علیه السلام فرمودند: «وقتی قائم قیام می کند، خداوند

آفت را از شیعیان دور می کند و قلب آنان را همچون قطعات

آهن، محکم و نیروی هر مرد را به اندازه چهل مرد می سازد.

۱. الملاحم و الفتن، ص ۶۶

۲. صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۴۷۴.

۳. الغیبه طوسی، ص ۲۸۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۱.

آنان حکومت و ریاست تمامی مردم جهان را به دست خواهند گرفت»^۱.

۳. امنیت و صلح جهانی

امنیت و صلح واقعی که از گوهرهای دست نیافتنی در طول تاریخ زندگی بشر بوده، از ویژگی هایی است که در حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام یافت می شود. در آن عصر خوفها از بین می رود جان و مال و آبروی مردم در امان قرار می گیرد و در سراسر جهان امنیت و آرامش حاکم می شود. اختناق و استبداد، استکبار و استضعاف - که همه از پیامدهای حکومت های غیر الهی است - از جهان رخت بر بسته و حاکمان طاغوت، به هر عنوان و شکلی که باشند ریشه کن خواهند شد. از آیات و روایات به دست می آید که راهها آن قدر امن خواهد شد که حتی ضعیف ترین مردم در سفر آزار و اذیتی نمی بینند.^۲

۴. جامعه واحد جهانی

پس از اینکه حکومت دینی امام زمان علیه السلام تشکیل شد و حاکمیت خود را (بر تمام دنیا) تثبیت کرد، جهان به شکل واحد و یگانه خواهد

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۵، الغیبه نعمانی، ص ۷۲.

۲. بنگرید: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۱.

شد. البته این به مفهوم برداشته شدن مرزها و یکی شدن کشورها و فرهنگ‌ها نیست؛ چرا که جهان در دوران ظهور ویژگی‌های خود را حفظ کرده و خود مختاری و استقلال و شخصیت حقوقی کشورها حفظ خواهد شد. در حکومت مهدوی حساسیت‌های قومی و قبیله‌ای برچیده خواهد شد و کشورها چشم طمع خود را نسبت به دیگر همسایگان خواهند بست هر کس در چهارچوب قوانین برای رشد و تعالی کشور خود تلاش کرده و همه با برنامه‌ای خاص به سوی هدفی مشترک حرکت خواهند کرد، در نتیجه جهان یگانگی خاصی خواهد یافت. امام باقر علیه السلام فرمود: «تمام جهان، ملت واحد می‌شوند و آن ملت اسلام است و هر چه معبود غیر خدا در زمین باشد، به آتش فرودآمده از آسمان، خواهد سوخت».^۱

۵. امت واحد جهانی

حکومت واحد و جهان واحد، به دنبال خود امت واحد را خواهد داشت. از آنجا که هدف جهان در دوران ظهور، رسیدن به کمال مطلق و سعادت ابدی است و این هدف برای همه مردم روشن و رسیدن به آن، از ضروری‌ترین خواسته‌های آنان خواهد بود، تمام ملت‌ها یکی شده و با اراده‌ای آهنین و وحدتی مثال زدنی به سمت

۱. صافی گلپایگانی، لطف‌اله، منتخب الاثر، ص ۳۰۸.

آنچه آنان را رستگار خواهد کرد، سوق می‌یابند.

امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام در روایت نورانی می‌فرماید:

«اگر قائم ما قیام کند، آسمان باران خود را فرو می‌ریزد و زمین نباتات خود را بیرون می‌افکند و کینه‌ها و ناراحتی‌ها، از دل بندگان خدا زایل می‌گردد»^۱.

این مطلب نشان می‌دهد که با رفع کینه‌ها و دشمنی‌ها، دوستی و تفاهم بین آحاد بشر بیشتر شده، وحدت آنان در راه رسیدن به کمال مطلوب شکل خواهد گرفت و یکی از آرزوهای دیرین بشر، (یعنی ایجاد همبستگی و یکپارچگی در میان انسان‌ها و نزدیک کردن دیدگاه‌ها، افکار و آمال آنها به یکدیگر)، محقق خواهد شد. این امر تحقق پیدا نخواهد کرد؛ مگر در سایه حکومت مصلح جهانی و بالا رفتن بینش و نگرش افراد بشر در سایه این نظام الهی.

در روایتی دیگر از امام باقر علیه السلام می‌خوانیم:

«به هنگام خروج حضرت مهدی علیه السلام خطاب و ندای عامی به همه مردم جهان می‌شود و آنها به اطاعت از او فرا خوانده می‌شوند»^۲.

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶.

۲. منتخب الاثر، ص ۴۳۶.

۶. قانون ورهبری واحد جهانی

در جامعه مهدوی و حکومت واحد جهانی، رهبری به عهده یگانه ذخیره الهی خواهد بود. از آنجا که شکل و ساختار حکومت بر مبنای نظام سیاسی امامت و ولایت است، این رهبری در سرتاسر جهان به شکل واحد بر عهده امام زمان علیه السلام خواهد بود؛ یعنی، شخص امام علیه السلام نظام سیاسی اجتماعی جهان را اداره کرده و تمام کارگزاران و حاکمان را خود ایشان انتخاب خواهد نمود^۱.

امام رضا علیه السلام می‌فرمایند:

« به خدا سوگند! وقتی قائم ما قیام کند خداوند همه شیعیان ما را از تمام جهان به دور او جمع خواهد کرد^۲ ».

قانونی که این رهبر فرزانه و الهی اجرا خواهد کرد نیز واحد و بر اساس آیات قرآن کریم و سنت نبوی بوده و برای تمام جهان و همه انسان‌های آن زمان واحد خواهد بود؛ یعنی، آنچه اهمیت دارد اجرای حدود الهی به شکل واقعی و کامل در تمام نقاط جهان است. امام علیه السلام طبق قانون دین عمل نموده و قانون و اجرای آن را نهادینه خواهد کرد. چنان که در روایات آمده است: «چون قائم قیام کند

۱. برای آگاهی بیشتر بنگرید: آینده جهان، رحیم کارگر، صص ۲۸۷-۲۵۲.

۲. اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۲۴، ح ۴۱۵.

امر تازه، روش تازه و داوری تازه با خود می‌آورد»^۱. روشن است که دین الهی تغییر نکرده و چیز جدیدی نخواهد فرستاد؛ اما آن قدر مردم با حدود و قوانین خداوند فاصله گرفته‌اند که اجرای قانون و دستورات دین برای آنها جدید و تازه است.

امیر مؤمنان علیه السلام در خصوص قانون و رهبری واحد در زمان ظهور حضرت و حکومت واحد ایشان می‌فرماید: «او خواسته‌ها را تابع هدایت وحی می‌کند، هنگامی که مردم هدایت را تابع هوس‌های خویش قرار می‌دهند و در حالی که به نام تفسیر، نظریه‌های گوناگون خود را بر قرآن تحمیل می‌کنند، او نظریه‌ها و اندیشه‌ها را تابع قرآن می‌سازد»^۲.

در واقع یکی از مهم‌ترین اقدامات حضرت در بعد قانون‌گذاری، احیای قوانین اسلام، ارائه برداشت صحیح و درست از آنها و اجرای کامل این قوانین است. وجود یک قانون خوب و برتر باعث رشد و پیشرفت جامعه جهانی می‌شود. آموزه‌های حیات بخش اسلام همیشه و در هر مکانی، توانایی پاسخ‌گویی به نیازهای مختلف جوامع را

۱. «إذا خرج [القائم] یقوم بامر جدید و... سنه جدید و قضاء جدید...»، نعمانی، *الغیبه*، ص ۲۵۴، ح ۱۳.

۲. «يُعْطِفُ الْهَوَىٰ عَلَى الْهَدَىٰ إِذَا عَطَفُوا الْهَدَىٰ عَلَى الْهَوَىٰ، وَ يَعْطِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ» *نهج البلاغه*، خطبه ۱۳۸.

دارد و در صورت ضرورت، می‌توان با محوریت قرآن، مقررات و قوانین جدیدی وضع کرد. پس یکی از پایه‌های اساسی حکومت مهدوی و یکی از بارزترین کارها در این حکومت، وضع قانون واحد و ایجاد رهبری واحد است.

۷. نظم واحد جهانی

پس از تشکیل حکومت واحد جهانی و ایجاد رهبری الهی در سراسر گیتی و حاکمیت قانون واحد، نظم جدیدی همه جا را فرا خواهد گرفت؛ که بارزترین و مهم‌ترین ویژگی آن عدالت و رفع تبعیض در جهان خواهد بود: «زمین را آکنده از عدل و داد می‌کند».^۱ در دوران حکومت مهدوی علیه السلام مردم شاهد گسترش عدالت در تمامی زوایای زندگی بشری - اعم از سیاسی، اجتماعی و فردی - خواهند بود: «به خدا سوگند! همان طور که سرما و گرما به داخل خانه‌هایشان نفوذ می‌کند، عدالت او به درون خانه‌هایشان راه خواهد یافت».^۲ با برقراری عدالت در سرتاسر جهان و رفع تبعیض، انگیزه‌های بشری برای ایجاد ظلم و نابرابری از بین خواهد رفت و امنیت و آسایش بر جامعه حاکم خواهد شد: «در زمان او ستم ریشه کن و

۱. «یَمَلَا الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا...»، محمد ابن ابراهیم نعمانی، *الغیبه*، ص ۱۸۹، ح ۴۴.

۲. «لَمَّا وَاللَّهِ لِيَدْخُلْنَ عَلَيْهِمْ عَدْلُهُ جَوْفَ بَيْوتِهِمْ كَمَا يَدْخُلُ الْحَرَّ وَ الْقُرَّ»، همان، ص ۲۹۷، ح ۱.

راه‌ها امن خواهد شد.^۱ لذا در سایه امنیت و عدالت برقرار شده، قوانین به واسطه رشد و درک اجتماعی افراد، بسیار خوب اجرا شده و بی‌نظمی، هرج و مرج و تصرف به حقوق دیگران برچیده خواهد شد.

۸. شکل دهی رضایت جهانی

حرکت جهانی حضرت مهدی علیه السلام و ایجاد تمام ویژگی‌های لازم برای سعادت بشر - مانند: نهادینه کردن عدالت و امنیت، معنویت و عقلانیت، صلح و آرامش، اخلاق گرایی، گسترش آیین اسلام و نیز ریشه کن کردن دشمنان بشریت، برچیدن ادیان و مذاهب گوناگون - باعث رضایت همگانی و خشنودی آحاد ملل در سرتاسر جهان می‌شود. این رضایت مندی و آرامش همگانی، از آرزوهای دیرین بشر است که در حکومت مهدوی محقق خواهد شد. در این خصوص به چند روایت اشاره می‌شود:

۱. «زمین را پر از عدالت می‌کند، آن چنان که پر از ستم شده است. در خلافت او اهل آسمان و زمین، حتی پرندگان آسمان خشنود می‌شوند».^۲

۱. «... ارتفع فی ایامه الجور و امنه به السبیل»، شیخ مفید، *الارشاد*، ج ۲، ص ۳۸۴.

۲. *بحار الانوار*، ج ۵۲، ص ۹۵.

۲. «اهل آسمان و ساکنان آن برای ظهور او خوشحال می‌شوند».^۱

۳. رسول خدا ﷺ می‌فرمایند: «شما را به مهدی، مردی از قریش بشارت می‌دهم که ساکنان آسمان و زمین از خلافت و فرمانروایی او خشنودند».^۲

۴. «ساکنان زمین و آسمان به او عشق می‌ورزند».^۳

۱. لوائح الانوار، ج ۲، ص ۷۰.

۲. اثبات الهدی، ج ۳، ص ۵۲۴.

۳. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۰۴.

۳. شاخصه‌های حکومت برتر

با بررسی دیدگاه‌های گوناگون ادیان و دانشمندان در رابطه با برترین شکل حکومت در جهان، به این مهم دست پیدا کردیم که بهترین و کامل‌ترین اندیشه در این خصوص، نظر اسلام به ویژه مکتب آسمانی تشیع است. در این بخش از نوشتار به برخی از شاخص‌ها و مؤلفه‌های برتری این اندیشه برای اداره جهان خواهیم پرداخت:

الف. الهی بودن حکومت مهدوی

خداوند متعال در نهاد انسان، فطرتی پاک و بی‌آلایش نهاده که او را به سمت کمال و تعالی سوق می‌دهد، انسان پس از اینکه در طول تاریخ مکاتب و قوانین گوناگونی را برای اداره جامعه تجربه کرده، به نتیجه‌ای نرسیده است! از این رو مشیت الهی بر این قرار گرفته است که بالاخره در پایان تاریخ سراسر سختی و پرفراز و نشیب، انسان به آسایش و راحتی تام و کامل برسد و براساس فطرت پاک خویش، به رهبری الهی اقتدا کند. این وعده‌ای است که خداوند متعال به بشر داده و به آن عمل خواهد کرد. او سرانجام حکومت‌های باطل را از بین برده، حکومت و اداره جامعه را به دست صالحان خواهد سپرد:

بل نقذف بالحق علی الباطل فیدمغه^۱؛ «با حق بر سر باطل می کوبیم»؛
 یمح الله الباطل^۲؛ «خداوند باطل را محو می کند»؛ إن جندنا لهم الغالبون؛
 «جنود رحمان غالب و چیره‌اند».

براساس بیان قرآن کریم و شواهد متعدد تاریخی، فرجام نزاع حق و باطل، تشکیل حکومت عدل مهدوی در سراسر جهان و نابودی تمام جباران، ستمکاران، فراعنه و مفسدان تاریخ و حاکمیت صالحان خواهد بود.

۲. ایجاد بسترها و زمینه‌های پیشرفت

جهان برای رسیدن به نقطه مطلوب و پایان نافرجامی‌ها، نیاز به یک سری مقدمات و زمینه‌ها دارد که هیچ یک از حکومت‌ها و سیاستمداران تاریخ، تاکنون موفق به فراهم نمودن آن نشده‌اند. هر چند عده بسیاری بر این باور بودند می‌توانند این مهم را به انجام رسانند؛ اما به دلایل مختلف - که مهم‌ترین آنها منفعت طلبی و دنیا خواهی همین حاکمان بوده است - این امر تحقق نیافته است. خداوند متعال این آرزوی بشر را محقق کرده و زمینه‌های مادی و معنوی این هدف بلند و آرمانی جهان را آماده خواهد نمود.

۱. انبیاء (۲۱)، آیه ۱۸.

۲. شوری (۴۲)، آیه ۲۴.

اصحاب و یاران حضرت مهدی علیه السلام بسیار عاشق و آماده برای خدمت به امام خویش هستند. آنها برای خدمت به مردم و جهاد با دشمنان، آمادگی و استقامت لازم را دارند و دل ایشان در عین رأفت و مهربانی، در برابر ستمگران مانند تکه‌های آهن سخت است؛ «قلوبهم کزبر الحديد، لاتزلهم الريح العواصف؛» «دل‌هایشان همچون پاره‌های آهن است که طوفان آنان را نلرزاند».

صلابت و نیرومندی از ویژگی کسانی است که در بستر تاریخ، برای تغییر نظام‌های اجتماعی و زمینه سازی انقلاب‌های بزرگ و انتقال مردم از مرحله‌ای از تاریخ به مرحله دیگر، لازم است و یاران امام زمان علیه السلام دارای این خصوصیات هستند و خداوند این زمینه را هم در افراد و هم در جهان، با ایجاد امکانات مادی و معنوی لازم مهیا می‌سازد.

۳. یاری الهی

از بارزترین نکات در حکومت مهدوی، نصرت و یاری خداوند در تمام مراحل ظهور و تشکیل حکومت جهانی است. یکی از جدی‌ترین مشکلات بشر در طول تاریخ برای تحقق عدالت و آسایش در جهان، تکیه بر دانش‌های انسانی و کمک‌های بشری بوده است؛ اما حکومت

۱. حرّ عاملی، محمد بن حسن، اثبات الهدی، ج ۳، ص ۴۹۴، ح ۲۴۷.

حضرت مهدی علیه السلام از یاری خداوند متعال بهره می‌برد. در این راستا بسیاری از دشمنان آن - از جمله سپاه سفیانی - با اراده خداوند از سر راه برداشته می‌شوند. دل بسیاری از مردم با نور الهی روشن می‌شود و خود بدون هیچ اعتراض یا مقاومتی به دعوت منجی موعود لبیک می‌گویند. خداوند متعال خود وعده یاری به صالحان و کسانی که دولت حق را یاری کنند، داده است.

۴. جامع نگری

از جمله شاخصه‌ها و مؤلفه‌های مهم حکومت امام زمان علیه السلام توجه به همه ابعاد و ویژگی‌های فردی و اجتماعی بشر است. یکی از اساسی‌ترین اشکالات مکاتب و نحله‌های گوناگون بشری تک بعدی و بخشی بودن آنها است. برخی صرفاً جهات مادی و برخی صرفاً جهات معنوی بشر را مورد توجه قرار می‌دهند. عده‌ای شخص انسان را مهم دانسته و کاملاً فردی برای بشر برنامه ریزی می‌کنند و عده‌ای دیگر اساس را «جامعه» دانسته و توجهی به ویژگی‌های شخصی انسان ندارند؛ اما حکومت امام مهدی علیه السلام برگرفته از دین کامل و جاودانگی اسلام، به تمام ابعاد فردی، اجتماعی، دنیوی و اخروی بشر توجه ویژه داشته و برای آن برنامه و راه‌کارهای لازم را ارائه می‌کند. این حکومت بر اساس قانونی جامعه را اداره می‌کند که تمام نیازمندی‌های بشر را دارا می‌باشد (لارطب و لایابس الافی کتاب مبین).

۵. مدیریت برتر

حکومت جهانی اسلام به رهبری انسانی شایسته و برگزیده الهی اداره خواهد شد که از شاخصه‌های برجسته برای موفقیت و کامیابی است. قرار گرفتن امامی معصوم از خطا و غفلت و مورد تأیید حضرت حق در رأس حاکمیت، کمک می‌کند حکومت بر اساس مدیرتی برتر و با ویژگی‌های منحصر به فرد مدیریت شود. برخی از ویژگی‌های مدیریتی امام علیه السلام عبارتند از:

۵-۱. بهره‌وری کامل از علم

در حکومت امام زمان علیه السلام دانش و علم که همواره بشر به دنبال رشد و پویایی آن بوده است، پیشرفت و گسترش چشمگیری می‌کند. درهای دانش و علم گشوده می‌شود و چندین برابر حال حاضر، علم در هستی گسترش پیدا می‌کند. مردم نسبت به قبل از ظهور و، حکومت حضرت مهدی، بسیار عالم‌تر می‌شوند. در رأس این حکومت امام عالمی است که کسی دانشمندتر و حکیم‌تر از او نیست: «اوسعکم کهفا و اکثرکم علما»؛ «علم و دانش در قلب و وجود او ریشه دوانده و جای گرفته است». «إن العلم بكتاب الله عزوجل و سنة نبیه ینبت فی قلب مهدینا کما ینبت الزرع علی أحسن نباته»، «به درستی

۱. محمد بن ابراهیم، نعمانی، النبی، ص ۲۱۲، ح ۱.

که علم به احکام خدا و سنت پیغمبر صلی الله علیه و آله در دل مهدی می‌روید؛ همان طور که زراعت به بهترین شکل می‌روید^۱». این علم الهی و دانش به روز، برگرفته از سنت پیامبر و قرآن کریم، شاخصی است راه گشا که تنها حکومت امام زمان علیه السلام از آن بهره می‌برد. در طول تاریخ به جهت موانع بسیاری که بر سر راه حق و حقیقت بوده است، انسان هیچ‌گاه نتوانسته به این حد از علم و دانش الهی بهره ببرد که مهدی موعود در حکومت عدل خویش از آن بهره برداری می‌کند.

۵-۲. سعه صدر و بینایی

مشکلات فراوان و سختی‌های طاقت فرسا در عصر پیشا ظهور، مردم را بسیار مضطرب و بی‌اعتماد به حاکمان نموده است که برای هدایت و رفع این مشکلات نیاز به صبر و سعه صدر بالایی است. جهان غرق در مفساد، ناامنی و فقر نیاز به رهبری صبور، آگاه، بادرایت و خداگونه دارد تا بتواند کشتی نجاتی برای بشریت بوده، آن را به ساحل نجات برساند. سعه صدر، صبر و کار و تلاش بر مبنای آگاهی، بصیرت و بینایی، از جمله ویژگی‌هایی است که حکومت امام زمان علیه السلام برای رفع این مشکلات از آن برخوردار است. این ویژگی مهم بیشتر به جهت توان فکری و علمی کارگزاران و مردم دوران

۱. شیخ صدوق، محمد بن علی، کمال‌الدین، ج ۲، ص ۶۵۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۷.

ظهور است. برخورد مناسب با مشکلات، دعوت از همه گروه‌های کارساز، اصرار بر هدایت همه مردم و اتمام حجت با مخالفان، از نشانه‌های بارز و روشن حکومت مهدوی علیه السلام است که دلالت بر سعه صدر، آگاهی و بصیرت بالای کارکنان و حاکمان دوران ظهور دارد.

۵-۳. مدیریت بی‌نظیر جهان

برقراری امنیت همه جانبه و رفع فتنه از جهان، به همراه یک محبوبیت عمومی برای حضرت مهدی علیه السلام، رفع اختلافات و خصومت‌ها^۱، تأمین عدالت اجتماعی به معنای حقیقی کلمه^۲، تألیف قلوب و ایجاد صمیمیت^۳، رشد اخلاقی و تربیتی به همراه کارآمدی کارگزاران امور و وجود قوانین الهی و رهبری امام علیه السلام کمک می‌کند تا جامعه در دوران ظهور به بهترین شکل ممکن اداره شود، و رضایت همه مردم را فراهم گردد. نوع عملکرد حکومت به شکلی

۱. «المهدی محبوب فی الخلائق یطفی الله به الفتنه الصّماء»: *یوم الخلاص*، ج ۲، ص ۶۴۰.

۲. «فوالله یا مفضل! یرفع عن الملل والادیان الاختلاف»: *بحار الانوار*، ج ۵۳، ص ۴.

۳. «فیریکم کیف عدل السیره»: *نهج البلاغه*، خطبه ۱۳۸.

۴. «... یرفع الله عزوجل الحق و العدل فی البلاد و یحسن حال عاوه العباد و یجمع

الله الکلمه و یؤلف بین القلوب مختلفه»: محمد بن علی شیخ صدوق، *کمال الدین*، ج ۲،

ص ۶۴۶، ج ۷؛ محمد بن یعقوب کلینی، *کافی*، ج ۱، ص ۳۳۷، ج ۲.

است که کوچک‌ترین شکایت یا نارضایتی در بین مردم دیده نمی‌شود. این نحوه حکومت داری تا به آن روز در جهان سابقه نداشته و جامعه با قوانین و وحی الهی به بهترین شکل ممکن اداره و هدایت می‌شوند.

۴-۶. برخورداری از امکانات لازم

هر حکومتی برای رسیدن به اهداف خویش، نیاز به امکانات و توانمندی‌های لازم و کافی دارد. در جهان قبل از ظهور، به دلیل فراوانی ایده‌ها و وجود اختلافات و جنگ‌ها و نیز محرومیت بشر از بیشتر منابع زمین - که البته به جهت عملکرد خودشان بوده است - هیچ گاه امکانات و لوازم لازم برای آسایش بشر آماده نشد؛ ولی در دوران ظهور امام علیه السلام و محوریت پیدا کردن دین اسلام در سراسر دنیا، فراوانی نعمت‌ها و امکانات زمین - در کنار امکانات انسانی و فرهنگی - همه چیز برای یک حاکمیت عدالت محور مهیا می‌شود: «خداوند برای قائم گنج‌ها و معادن زمین را آشکار می‌سازد»^۱ و نیز: «در هنگام ظهور مهدی علیه السلام زمین آنچه در اعماق خویش دارد، برای وی بیرون می‌ریزد و همه امکانات خود را در اختیارش

۱. «یظهر الله عزوجل له كنوز الارض و معادنها»، کمال‌الدین، ج ۲ ص ۳۹۴.

می‌گذارد...»^۱.

۷. کارآمدی و به روز بودن

یکی از بارزترین شاخصه‌های حکومت مهدوی علیه السلام، حرکت بر اساس نیاز و شرایط آن دوران است. رشد چشمگیر علم و فن آوری و بهره‌مندی بشر از تمام علوم و فنون، به واسطه روشن‌گری و حکمت‌آموزی امام زمان علیه السلام و استفاده از تمام توان و استعداد انسان و همه منابع و امکانات زمین باعث می‌شود که حکومت، جامعه تحت حاکمیت خویش را بر مبنای رشد علمی و شناخت دقیق اداره کند. به دلیل اینکه محدودیت و مانعی از افاضه علم بی‌کران امام علیه السلام وجود ندارد و همه شعبه‌ها و گونه‌های مختلف دانش بشر، رشد و پیشرفت زیادی می‌یابد و نیز این دانش و علم متصل به غیب و علم نامحدود الهی است، آثار و برکات فراوانی به همراه خواهد داشت که یکی از آن آثار و برکات به روز بودن عملکرد حکومت در اداره امور جامعه و کارآمدی بالای آن است.

۸. همراهی و همدلی مردم

پیش‌تر گذشت که حکومت حضرت مهدی علیه السلام یک رضایت

۱. «تخرج له الارض افالیده کبدها و تلقی الیه سلما مقالیدها...»: نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۳۸.

عمومی را در جهان به وجود می‌آورد و مردم دنیا برای اولین بار در تاریخ، به صورت عمومی و همگانی، از نظام حاکم خویش رضایت کامل خواهند داشت. این رضایت از حکومت، همراهی، همدلی و استقبال ویژه‌ای را به دنبال دارد که هر کجا و با هر شرایطی که دولت مهدوی لازم بداند مردم همراهی و کمک می‌کنند؛ چون آنان هر آنچه را که از یک حکومت برتر انتظار دارند، تحقق می‌یابد و به واسطه عدل مهدوی و آسایش و آرامش حاکم بر جامعه، مردم اطمینان فراوانی به حاکمیت پیدا می‌کنند. از طرفی به جهت روحیه بالای دینی و نگاه معنوی و آخرت‌گرای حاکم بر اجتماع، همراهی مردم در امور به حد اعلا می‌رسد. مردم عصر ظهور مصداق این آیه قرآن کریم هستند که: ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ﴾؛ «ومردان و زنان با ایمان دوستان یکدیگرند». این دوستی و ارتباط صمیمی بین مردم، باعث همبستگی، همدلی، اتحاد و همکاری با یکدیگر در امور اجتماعی می‌شود.

۹. برخورداری از کارگزاران کارآمد

در عصر ظهور یاران خاص حضرت مهدی علیه السلام برگزیدگان اهل زمین بوده و شایستگی‌های لازم و لیاقت و کفایت اداره امور و تدبیر همه مردمان را دارا خواهند بود. کارگزاران حکومت امام زمان علیه السلام از صفات و ویژگی‌های برجسته‌ای برخوردارند؛ چنان که در روایتی

کارگزاران و بر پا دارندگان امور خلق چنین معرفی شده اند: «و انتم قوام الارض و خزائنها»^۱ از دیگر ویژگی‌های بارز آنان نفوذ و جایگاه بالای آنان در میان مردم است؛ چنان که امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «گویا اصحاب و یاران امام قائم را می‌بینم که شرق و غرب عالم را پر کرده‌اند. هیچ چیز در عالم پیدا نمی‌شود؛ مگر اینکه از آنها اطاعت می‌کند (و هو مطیع لهم) و حتی درندگان و پرندگان وحشی نیز مطیع آنان هستند. همه چیز روی زمین، خواهان به دست آوردن رضایت آنان است تا جایی که قطعه‌ای از زمین بر قطعه‌ای دیگر افتخار می‌کند و می‌گوید: امروز مردی از یاران قائم بر روی من عبور کرد»^۲.

این بزرگان از اقصی نقاط جهان، پرچمداران و حاکمان روی زمین، مدافعان مخصوص امام علیه السلام، ارکان و پایه‌های محکم حکومت مهدوی، دارای قدرت ناشی از ایمان کامل و ... هستند که در اداره امور جامعه پس از ظهور با امام زمان علیه السلام همکاری می‌کنند.^۳

۱۰. دارای برنامه و تلاشگر

از مؤلفه‌های بارز این حکومت، با برنامه بودن آن است. تلاش

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۵، ح ۶۹

۲. حر عاملی، محمد بن حسن، اثبات الهدی، ج ۳، ص ۴۹۴، ح ۲۴۸.

۳. رک: کارگر، رحیم، آینده جهان، ص ۲۷۲-۲۸۱.

چشمگیر و فعالیت مستمر نیز از جمله ویژگی‌هایی است که به صورت همگانی، در حکومت امام زمان علیه السلام رعایت می‌شود. مردم و حکومت در دوران ظهور، همگام با هم برای هر چه بهتر شدن اوضاع جامعه به صورت شبانه روزی و با اخلاص و ایمان خاصی تلاش می‌کنند. حرکت روبه جلو و با برنامه در حکومت عدل مهدوی در تمام زوایا و ساحت‌های گوناگون جامعه از جمله فرهنگی، علمی و اعتقادی، اخلاقی نشان از حرکت با برنامه و فعال حکومت دارد. در این جا به بعضی از این تلاش‌ها ی ویژه اشاره می‌شود:

۱-۱۰. برنامه‌های فرهنگی

وضعیت اسفناک حاکم بر جهان پیشا ظهور و وجود مشکلات متعدد اجتماعی و فرهنگی، باعث می‌گردد روابط انسانی و اجتماعی از هم گسیخته و رها شوند (تصیر الدنیا هر جا و مرجا)^۱. خانواده‌ها دچار بی‌ثباتی و تزلزل می‌گردند. حرمت‌ها شکسته می‌شود و روابط غیر اخلاقی و به دور از فرهنگ سالم دینی، بر جامعه حاکم می‌گردد. در این چنین وضعیتی توجه به امور فرهنگی - از اهمیت ویژه و بالایی برخوردار است. تعمیق «فرهنگ دینی» و نهادینه کردن روابط فردی و اجتماعی بر اساس آموزه‌های دینی و معرفت الهی، از راه کارهای مهم

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۰، ح ۱۸۹.

و اثر بخش برای وضعیت نامطلوب بشر در آن زمان است. حکومت مهدوی از حد اعلاي معارف دینی برای اداره جامعه برخوردار است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌ها و مؤلفه‌های آن، توجه به فرهنگ عمومی و جهاد فرهنگی در سطح جهانی است. به عنوان نمونه به چند مورد از کارهایی که در آن دوران طلایی و قیام فرهنگی برای رشد و تعالی فرهنگ جامعه انجام می‌پذیرد، اشاره می‌شود:

الف. تثبیت دین اسلام به عنوان محوری‌ترین عامل برای اصلاح جامعه و از بین بردن اختلافات دینی در سطح جهان: «به خدا سوگند ای مفضل! اختلاف از میان ادیان برداشته می‌شود و همه به صورت یک آیین در می‌آید؛ همان گونه که خداوند عزوجل می‌فرماید: دین در نزد خدا فقط اسلام است»^۱.

ب. ارائه اسلام اصیل و به دور از انحرافات و تحریفاتی که در گذر سالیان متمادی در تاریخ، به این دین افزوده شده است. چنان که در روایتی آمده است: «هنگامی که قائم علیه السلام قیام کند، امری جدید می‌آورد؛ همان طور که رسول خدا صلی الله علیه و آله در آغاز اسلام به امری جدید دعوت کرد»^۲.

۱. «قوله یا مفضل! لیرفع عن الملل و الادیان الاختلاف و یکون الدین کله واحده کما قال الله (إن الدین عندالله الإسلام)» ۰۰، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۴.

۲. «إذا قام القائم (عج) جاء بامر جدید کما دعا رسول الله (ص) فی بدو الإسلام الی امر جدید»، محمد بن محمد شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۴؛ علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۶۵.

ج. گسترش و همگانی کردن دستورات دین و آشنایی عمیق مردم با آموزه‌های وحیانی: «آمهدی‌آزمین را از عدل و داد و برهان و دانش و نور [هدایت] آکنده می‌کند تا آنجا که سراسر گیتی به وی ایمان آورده و کافران، مسلمان می‌شوند و فاسقان صالح می‌گردند». انجام این امور و دیگر فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی در قالب جهادی همگانی، جامعه مهدوی را به نقطه کمال و اوج فرهنگ می‌رساند.

۱۰-۲. برنامه‌های اخلاقی

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های حکومت امام مهدی علیه السلام اخلاق محوری و جهاد اخلاقی در سطح جامعه است. انسان که جزء اصلی جامعه سالم و با اخلاق است؛ اصلی‌ترین محور قانون‌گذاری، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری جامعه می‌باشد. در هر جامعه‌ای بهترین برنامه‌ها و قوانین باید به دست بهترین و شایسته‌ترین افراد و مجریان طرح ریزی و اجرا شود.^۱ بر همین اساس حکومت مهدوی بهترین و عالی‌ترین برنامه‌های اخلاقی را برای رشد جامعه خود دارا می‌باشد. در جامعه عصر ظهور:

الف. با هواهای نفسانی مبارزه می‌شود: «آمهدی مردمی را که از مسیر نورانی انبیاء علیهم السلام منحرف شده و [از هوا پیروی می‌کنند، به

۱. «یملأ الارض عدلا و قسطا و نورا و برهانا یدین له عرض البلاد و طولها لا یبقی کافر إلا امن و لا طالح إلا صلح»، احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۹۱، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۰، ح ۶.

۲. رک: حکیمی، محمد، عصر زندگی، ص ۲۰۵.

سوی هدایت بر می‌گرداند، در آن هنگام که آن مردم، هدایت را به هوا و هوس خود ارجاع می‌نمایند»^۱.

ب. رذایل و زشتی‌ها ریشه کن می‌شود: «همه خیرها در آن زمان است که مهدی قیام می‌کند و همه این زشتی‌ها را از میان بر می‌دارد»^۲.

ج. کینه‌ها از بین می‌رود: «اگر قائم ما قیام کند... کینه‌ها و دشمنی‌ها از سینه‌ها بیرون می‌رود»^۳ و با فراهم کردن مجموع خوبی‌ها و از بین بردن اخلاقیات زشت و ناپسند و با قرار دادن مردم در مسیر فهم و شناخت صحیح با جهادی همه جانبه، اخلاق را در جامعه نهادینه می‌کند.

۱۰-۳. برنامه‌های علمی

«در زمان قائم حکمت و دانش به [مردم] ارزانی می‌شود تا جایی که زنان در خانه خود، به کتاب خدا و سنت پیامبر ﷺ حکم می‌کنند»^۴. از آنجا که در آن زمان مردم دنیا با روشنگری‌های انجام شده توسط امام زمان علیه السلام، در می‌یابند که تمام سعادت دنیا و

۱. «يعطف الهوى على الهدى إذا عطفوا الهدى على الهوى...»، نهج البلاغه، خطبه ۳۸.

۲. «... الخیر کله فی ذالک الزمان یقوم قائمنا و یدفع ذالک کله»، شیخ طوسی، محمد بن حسن، کتاب الغیبه، ص ۴۳۷.

۳. «لو قام قائمنا... لذهب الشحنا من قلوب العباد»: محمد بن علی شیخ صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۴۲۶.

۴. «و تؤتون الحکمه فی زمانه حتی أن المرأه لتقضى فی بیتها بکتاب الله تعالی و سنه رسول الله ﷺ»، الغیبه، ص ۲۳۹، ح ۳۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲، ح ۱۰۶.

آخرتشان در قرآن و سنت نهفته است، حتی در خانه‌های خویش برای یادگیری این تعالیم ارزشمند تلاش می‌کنند.

نتیجه این جهاد و تلاش علمی و گسترش سطح آگاهی و دانش مردم، اختراعات، اکتشافات، ارتباطات و فن آوری به نهایت کمال خواهد رسید. مردم آن عصر، در بهترین برهه از زمان، زندگی خواهند کرد. روایات، جهان آن روز را جهانی متمدن و در اوج قدرت و پیشرفت علمی معرفی می‌کنند. به طور کلی صنعت در آن روزگار، با صنعت کنونی فرسنگ‌ها فاصله خواهد داشت؛ چرا که: «علم و دانش ۲۷ حرف (شعبه) است. تمام آنچه پیامبران الهی آورده‌اند، دو حرف (شعبه) بیشتر نبوده و مردم تاکنون جز دو حرف آن را نشناخته‌اند. اما هنگامی که قائم ما قیام کند، ۲۵ حرف دیگر را آشکار می‌سازد و در میان مردم نشر می‌دهد و دو حرف دیگر را به آن ضمیمه می‌کند تا ۲۷ حرف کامل و منتشر شود»^۱.

۱۰-۴. جهاد اعتقادی

دنیا پرستی، بت پرستی و بی‌اعتقادی نظری و عملی در جهان پیش از ظهور، دردی است که همگان را آزار می‌دهد. عده‌ای از مردم، به لحاظ ضعف فرهنگ و برخی هم به لحاظ منافع دنیوی خود، اعتقاد به خدا و معنویت را از گردونه مباحث اجتماعی و

۱- «العلم سبعة و عشرون حرفاً فجميع ما جاءت به الرسل حرفان، فلم يعرف الناس حتى اليوم غير الحرفين، فاذا قام قائمنا اخرج الخمسة و العشرون حرفاً فبثها في الناس و ضم اليها الحرفين، حتى يثبتها سبعة و عشرين حرفاً»: علی بن عبدالکریم نیلی، منتخب‌الأنوار، ص ۲۰۱؛ قطب‌الدین رواندی، الخرائج و الجرائح ج ۲، ص ۸۴۱.

خواسته‌های مردمی خارج کرده، بر طبل بی‌خدایی و مادی‌گرایی می‌کوبند. اما در حکومت مهدوی و جامعه پس از ظهور - که بر مبنای توحید و گرایش‌های فطری بشر اداره می‌شود - اعتقاد و باور به خدای متعال و جهان پس از مرگ، مهم‌ترین و برجسته‌ترین ویژگی است. رشد و بالندگی فکری و فرهنگی بشر در آن دوران، باعث می‌شود سعادت ابدی خویش را در اعتقاد به خدای متعال و برخوردارگی از نظام توحید محور جست‌وجو کنند. با این رویکرد دینی و جهاد اعتقادی، باور به معاد و توحید ناب اسلامی در مردم رشد یافته و یگانه محور پرستش در عالم، خدای متعال خواهد بود.

۱۱. اهداف متعالی و در دسترس

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌ها و شاخصه‌های حکومت مهدوی - که به برتر بودن آن کمک فراوانی می‌کند - داشتن اهداف عالی و بلندی است که در عین برخوردارگی از درجات متعالی، در دسترس و قابل تحقق هستند؛ یعنی، هر آنچه را که بشر در طول تاریخ برای سعادت جامعه انسانی آرزو می‌کرده و نتوانسته است به آن دست یابد، در حکومت مهدوی علیه السلام به روشنی خواهد رسید و راه سعادت خود را پیدا خواهد کرد. در حکومت امام زمان علیه السلام اهداف و آرمان‌ها به شکل خیالی، ایده آلی و غیر قابل دسترس نیست؛ بلکه متناسب با نیاز و فطرت انسانی، بوده و سعادت‌مندی ابدی بشر در گرو تحقق آن اهداف است.

۱۲. تسلط بر امور

چنان که گذشت حکومت امام زمان علیه السلام از امکانات لازم،

مدیریت و درایت عالی، برنامه و تلاش فراوان و کارگزاران بسیار سخت کوش، با ایمان و... برخوردار است. این عوامل به اضافه رهبری الهی امام علیه السلام، کمک می کند حکومت، با تسلط خاصی اداره امور را بر عهده گرفته و بر تمام ابعاد جامعه اشراف کامل داشته باشد و حکومت با اقتدار ویژه و نفوذ معنوی، همه آنها را تحت نظارت خود قرار دهد.

کتابنامه

۱. آشتیانی، جلال‌الدین، *تحقیقی در دین مسیح*، چاپ دوم، تهران، نشر نگارش، ۱۳۷۹.
۲. آقا بخش، علی و دیگران، *فرهنگ علوم سیاسی*، چاپ اول، تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۷۴.
۳. ابن ابی الحدید، *شرح تهج البلاغه*، ۲۰ جلد، قم: کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۴۰۴.
۴. احمدی، بابک، *مارکس و سیاست مدرن*، چاپ اول، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۹.
۵. اربلی، علی بن عیسی، *کشف الغمه فی معرفه الائمه*، چاپ اول، تبریز: مکتبه بنی هاشمی، ۱۳۸۱.
۶. ارجمند، سهیل، *پیش بینی آینده، وسوسه‌ای برای نویسندگان*، تهران: همشهری، ۱۳۷۸/۲/۲۲.
۷. اصغری، امیر حسین، *اندیشه دینی و بحران در نظرات آینده پژوهانه*، تهران: کیهان، ۱۳۷۹/۱۱/۲.
۸. امیری، مجتبی، *پایان تاریخ و بحران اعتماد* (بازشناسی اندیشه‌های تازه فوکویاما)، تهران: اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۹۷ و ۹۸.
۹. امینی، ابراهیم، *دادگستر جهان*، قم، شفق، ۱۳۷۹ ش.
۱۰. امینیان، مختار، *مبانی اخلاق اسلامی*، چاپ سوم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۱.
۱۱. بشریه، حسین، *آموزش و دانش سیاسی*، چاپ دوم، تهران: نگاه معاصر، ۱۳۸۰.
۱۲. بنی هاشمی، سید محمد، *معرفت امام عصر علیه السلام*، نیک معارف، ۱۳۸۳ ش.
۱۳. پولادی، کمال، *تاریخ اندیشه سیاسی در غرب*، ج ۲، چاپ دوم، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۲.
۱۴. توفیقی، حسین، *هزاره گرایی و فلسفه تاریخ مسیحیت*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
۱۵. توین بی، آرنولد، *فلسفه نوین تاریخ*، ترجمه و گردآوری بهاء‌الدین بازارگاد، تهران: کتابفروشی فروغی، ۱۳۶۶.
۱۶. جمعی از نویسندگان، *چشم به راه مهدی*، چاپ دوم، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸.
۱۷. جمعی از نویسندگان، *نور مهدی علیه السلام*، تهران، آفاق، ۱۴۰۱ ق.
۱۸. جونز، وت، *اندیشه سیاسی*، ترجمه علی رامین.
۱۹. حرّ عاملی، محمد بن حسن، *اثبات الهدی*، (بالنصوص و المعجزات من الامام...)، ۳ جلد، چاپ اول، تهران: دارالکتاب الاسلامیه، بی تا.
۲۰. حسینی، دهشیار، *جهانی شدن تکامل فرآیند برون بری ارزش‌ها و نهادها*، فصلنامه نگاه حوزه، شماره ۹۸-۹۹.
۲۱. حکیمی، محمد، *عصر زندگی و چگونگی آینده اسلام و انسان*، چاپ چهارم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۰.
۲۲. خسروشاهی، سیدهادی، *مصلحتی جهانی و مهدی موعود علیه السلام از دیدگاه اهل سنت*، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۴ ش.
۲۳. دوزانت، ویل، *تاریخ تمدن، یونان باستان*، ج ۲، ترجمه امیرحسین آریان‌پور.
۲۴. زنی، آستین، *حکومت: آشنایی با علم سیاست*، ترجمه لیلا سازگار، چاپ اول، تهران: مرکز نشر

- دانشگاهی، ۱۳۷۴.
۳۵. سیوطی، جلال‌الدین، *المعرف الوردی*، چاپ اول، دمشق: دارالکونثر، ۱۴۲۴.
۳۶. صافی‌الکلیپایگانی، لطف‌الله، *منتخب الاثر*، چاپ اول، قم: سیده‌المصومه، ۱۴۱۹.
۳۷. صافی‌کلیپایگانی، لطف‌الله، *امامت و مهدویت*، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۰.
۳۸. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، *الخصال*، چاپ دوم، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۳.
۳۹. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، *کمال‌الدین و تمام‌النعمة*، ۲ جلد، چاپ دوم، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵.
۳۰. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، چاپ اول، تهران، رابطه‌الثقافیه و العلاقات الاسلامیه، ۱۴۱۷.
۳۱. عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر العیاشی*، تهران، چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰.
۳۲. فوکویاما، فرانسیس، *ده سال پس از طرح فرضیه پایان تاریخ*، نگاه حوزه، ش ۴.
۳۳. فوکویاما، فرانسیس، *فرجام تاریخ و واپسین انسان*، ترجمه علی رضا طیب، مجله سیاست خارجی، ش ۳ و ۲.
۳۴. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر قمی*، چاپ سوم، قم، دارالکتاب، ۱۴۰۴.
۳۵. کارگر، رحیم، *آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)*، ج ۲، مرکز تخصصی مهدویت، قم، ۱۳۸۷.
۳۶. کارگر، رحیم، *جستارهایی در مهدویت*، ج ۱، مرکز تخصصی مهدویت، قم، ۱۳۸۶.
۳۷. کارگر، رحیم، *جهانی شدن و حکومت جهانی مهدی (عج)*، فصلنامه انتظار، ش ۶.
۳۸. کاظمی، علی اصغر، *اخلاق و سیاست: اندیشه سیاسی در عرصه عمل*، چاپ اول، تهران: قومس، ۱۳۷۶.
۳۹. لاریجانی، محمد جواد، *درس‌های سیاست خارجی*، چاپ اول، تهران: مشکوه، ۱۳۷۷.
۴۰. لاریجانی، محمد جواد، *کاوشهای نظری در سیاست خارجی*.
۴۱. مجلسی، بن محمد تقی، محمد باقر، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ قمری.
۴۲. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، ج ۱۴.
۴۳. موسی، غنی‌نژاد، *پایان تاریخ و آخرین انسان*، (ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی)، شماره ۶۴ - ۶۳.
۴۴. ندروین، فوکویاما و دموکراسی لیبرال پایان تاریخ، ترجمه پرویز صداقت، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی شماره ۸۰-۷۹.
۴۵. هاو، لنوآلن وین، *پیش‌گویی آینده*، ترجمه ناصر موفقیان، چاپ اول، تهران: نشر نی، ۱۳۷۸.
۴۶. الیاده، میرچا، *دائرة المعارف دین*، فصلنامه انتظار، قم: ش ۶.
۴۷. یاسپرس، کارل، *آغاز و انجام جهان*، ترجمه محمد حسن لطیفی، چاپ اول، تهران: خوارزمی، ۱۳۶۳.
۴۸. یوسفی‌راد، مرتضی، *اندیشه سیاسی خواجه نصیرالدین طوسی*، چاپ اول، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۰.